

کارگر کمونیست ۱۰۵

دو هفته یکبار، پنجشنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm



ناصر اصغری

به عقب می بود. این پیشروی حتی اگر آگاهانه به معنای عامیانه کلمه هم نباشد، جزئی از سوخت و ساز روزمره جنبش کارگری است. کارگران روزانه برای ارتقاء سطح معیشت زندگی شان تلاش و مبارزه (گاه پنهان و گاه آشکار) می کنند.

صفحه ۳

پرونده هائی که بسته می شوند

مبارزه کارگران در ایران امروزه چنان بعدی بخود گرفته است که ناظری که بفرض يك سال از وقایع ایران دور بوده باشد اگر امروزه به این منظر نگاه کند متحیر خواهد شد. شاید هم این بعد ربط مستقیمی به وقایع حول و حوش اول مه ۸۸ دارد. با کمپین "افزایش دستمزدها" که اواخر آذرماه سال گذشته استارت آن زده شد و فعالین شناخته شده جنبش کارگری زیادی درگیر این موضوع شدند، معلوم بود که سال ۸۸ قرار نیست جنبش کارگری در پوسته

سالهای گذشته خود باقی بماند. نوشته ای تحت عنوان "سال ۸۸، سال کارگران" با اشاره و مشاهده يك اعتراض، گفتم که امسال سال اعتراض کارگران خواهد بود. گفتم معلوم است که کارگران امسال را مثل سال های گذشته خود را به اعتراضات مقطعی و موضعی محدود نخواهند کرد. اعتراضات مقطعی و موضعی، مرحله ای از مبارزه کارگران است که در مورد ایران اگر کارگران در آن مرحله باقی می ماندند، میشود گفت قدم هایی

در پاسخ به فراخوان سازمانهای جهانی کارگری

۲۶ ژوئن را به روز اعتراض بین المللی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم!

فراخوان چهار سازمان کارگری بین المللی در دفاع از کارگران ایران و اعلام تظاهرات سراسری درمقابل سفارتها و دفاتر جمهوری اسلامی در روز ۲۶ جون (۵ تیرماه) يك موفقیت بزرگ دیگر نه تنها برای کارگران بلکه برای کل جنبش آزادیخواهانه مردم ایران است. فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، فدراسیون آموزش بین المللی، فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل و اتحادیه بین المللی صنایع مواد غذایی، کشاورزی و خدمات در بیانیه ای اعلام کرده اند که در روز ۲۶ جون با خواست

عدالت برای کارگران ایران و محکومیت جمهوری اسلامی بدلیل نقض حقوق اساسی کارگران ایران درمقابل دفاتر نمایندگی جمهوری اسلامی تظاهرات خواهند کرد. این چهار سازمان کارگری در بیانیه شان که مورد حمایت سازمان عفو بین الملل نیز قرار گرفته است خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط فعالین کارگری و دستگیرشدگان اول مه شده اند و اعلام کرده اند که به خیابان میاتیم که بگوئیم جهان نظاره گر جمهوری اسلامی است که چه میکند و چه بر سر همکاران ما

صفحه ۶

در مورد دستگیر شدگان اول مه و وضعیت

کار و زندگی کارگران

متن تنظیم شده مصاحبه رادیو برابری با پروین محمدی کارگر صنایع فلزی

رادیو برابری، با سلام و درود خانم پروین محمدی. بیش از دو هفته است که از بازداشت تعدادی از

کارگران و شرکت کنندگان در روز اول ماه مه در پارک لاله میگذرد.

صفحه ۷

وسعا به کمپین برای آزادی فوری و بدون قید و شرط

دستگیر شدگان اول مه بیپوندیم

از میان سایتها و وب لاگها

دو خبر از اعتراضات کارگری در سطح جهان

اخبار اعتراضات کارگری ایران

صفحه ۱۳

صفحه ۱۰

صفحه ۱۱

صفحه ۱۴

در حاشیه مضحکه انتخاباتی حکومت

روزهای مهم و تاریخی ای را پشت سر میگذاریم. در همه بخش های جامعه جنب و جوش اعتراضی بالاست. برپایی مراسم اول مه روزجهانی کارگری در پارک لاله تهران، آنهم در صفی متحد و با قطعنامه ای مشترک که بیانگر خواستهای کل جامعه است و بدنبال آن شکل گیری کمپینی گسترده که بیش از ۵۲ مرکز و تشکل کارگری را در خود جمع کرده است، نقطه

عطفی جدید در جنبش اعتراض مردم و کل جامعه ایجاد کرده است. در دل این شرایط مضحکه انتخابات رژیم در پیش است و اختلافات درونی حکومت بیش از هر وقت شدت گرفته و به مرحله حساسی رسیده است. يك مشت جنایتکار در رقابت با یکدیگر و کسب فرصت برای دزدی بیشتر، بساط کمپین انتخاباتشان را به پا کرده اند. دارند از دزدی های



شهبلا دانشفر

یکدیگر، از گم شدن میلیاردها دلار از خزانه دولت و غیره صحبت میکنند و پرونده های یکدیگر را رو میکنند. دارند از جنایات یکدیگر، از مسببین قتل های زنجیره ای و ستاد انقلاب فرهنگی و جنایاتی که

صفحه ۶

مبارزات کارگران را بزرگ بداریم

مبارز ما اکنون در بند رژیم هستند و با تلاش پیگیرانه خانواده و کسانی که اهمیت این مبارزه را درک کرده اند و خود کارگران در بند، مبارزه جانانه ای بر علیه کل دستگاه

صفحه ۵

را فعال جنبش کارگری و بیشتر از آن رهبر جنبش کارگری و صاحب خانه میدانند. بارها اشاره شده است که کسانی هستند عوض اینکه باری از دوش آدم بردارند برعکس بر مصیبت آدمی می افزایند. کارگران

یاشار سهندی

حقیقتش را ببخواهید بعضی وقتها من در می مانم که کارگران باید چکار کنند تا از بعضی ها بالاخره نمره قبولی بگیرند! از کی؟ سوال خوبی است. از همانها که خود

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

"فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، فدراسیون آموزش بین الملل، فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل و اتحادیه بین المللی صنایع مواد غذایی، کشاورزی و خدمات: ۲۶ ژوئن روز جهانی مبارزه برای احقاق حقوق پایه ای کارگران ایران! همه دستگیر شدگان روز جهانی کارگر باید آزاد شوند!"

منصور اسانلو، ابراهیم مددی، فرزاد کمانگر و رهبران سندیکای نیشکر هفت تپه باید فوراً آزاد شوند و احکام زندان علیه فعالین کارگری باید ملغی گردد!
سازمان عفو بین الملل از این کمپین حمایت کرده است!

هستند. خواستار آزادی کلیه فعالان اتحادیه ای که در اول ماه می در تهران دستگیر شده اند می باشند. سازمان عفو بین الملل نیز از این کمپین حمایت کرده است." گای رایدی دبیر کل آی تی یو سی توضیح میدهد: "هر کدام از این نهادها برای حمایت از همکارانشان در ایران کمپین کرده اند و امروز ما نیروهایمان را به هم پیوند می زنیم تا این حرکت را به شکل مؤثرتری پیش ببریم."

وی می افزاید: "ما تمامی راههای موجود برای يك گفتگوی معقول را، جهت ترغیب رژیم ایران برای برسمیت شناختن حقوق پایه ای اتحادیه کارگری در ایران آزموده ایم. پاسخ آنها فقط دستگیری و سرکوب است. عقیم ماندن این تلاش ها چاره ای برایمان نمی گذارد جز آمدن به خیابانها برای اینکه بگوئیم که جهان نظاره گر آنهاست که چه می کنند و چه بر سر همکاران ما در ایران می آورند."

این برای سومین بار در طول سه سال گذشته است که اتحادیه های کارگری در جهان در همبستگی با کارگران ایران و در اعتراض به جمهوری اسلامی به خیابانها می آیند. ۱۵ فوریه ۲۰۰۶ و ۶ مارس ۲۰۰۸ بدعوت اتحادیه های جهانی کارگری، کارگران در بیش از ۴۰ کشور در پنج قاره جهان به میدان آمدند و با برگزاری میتینگ در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی و یا مکانهای دیگر و یا از طریق تسلیم نامه های اعتراضی به سفارتخانه های رژیم، به جمهوری اسلامی اعتراض کردند و با کارگران

چهار کنفدراسیون جهانی کارگری که بیش از ۱۷۰ میلیون کارگر را در سراسر جهان نمایندگی می کنند، ۲۶ ژوئن را بعنوان روز جهانی برای تحقق خواسته های پایه ای کارگران ایران اعلام کرده اند. در این روز کارگران جهان با خواست "عدالت برای کارگران ایران" و محکومیت جمهوری اسلامی بدلیل نقض حقوق اساسی کارگران ایران و دستگیریهای مستمر در مقابل سفارتخانه ها و دفاتر نمایندگی جمهوری اسلامی دست به اعتراض خواهند زد. چهار فدراسیون جهانی که انجام این اقدام جهانی در حمایت از کارگران ایران را اعلام کرده اند بدین قرار هستند:

فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (آی.تی.یو.سی) فدراسیون آموزش بین الملل (ای.آی.فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (آی.تی.اف) اتحادیه بین المللی صنایع مواد غذایی، کشاورزی و خدمات (آی.یو.اف)

سازمان عفو بین الملل نیز از این اقدام اتحادیه ها حمایت کرده است. در بخشی از بیانه مربوط به این حرکت بین المللی آمده است: "این تازه ترین حرکتی است که در ادامه کمپین تضمین اجرای عدالت و حقوق صنفی کارگران در ایران صورت گرفته است. آنها همچنانکه خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط فعالین حقوق اتحادیه ای زندانی و رهبران از جمله: منصور اسانلو، ابراهیم مددی، فرزاد کمانگر و پنج تن از نمایندگان اتحادیه کارگران شرکت نیشکر هفت تپه که اخیراً به يك سال زندان محکوم شده اند،



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران
در باره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

Email: kazem.nikkhah@googlemail.com

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

شها دانشفار

shahla_daneshfar@yahoo.com

یاشار سهندی

y_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan_salehi2001@yahoo.com

Tel: 0046 739 318 404
Fax: 0046 864 897 16
markazi.wpi@gmail.com

دفتر
مرکزی
حزب

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

پرونده هائی که ...

در جمهوری اسلامی سطح زندگی کارگران داتما روبه وخامت گراشیده است و کارگران امیدی به بهبود این وضعیت در این چهارچوب ندارند. در نتیجه قدم‌های بعدی باید فراتر از مبارزات کنونی باشد.

از دو منظر می شود به این موضوع نگاه کرد. یکی تغییر و تحولاتی که فعالین و رهبران جنبش کارگری از سر گذرانده اند و از ۵ - ۶ سال گذشته تا کنون، به آن سمت حرکت کرده اند؛ و دیگری زندگی روزمره و مبارزه عملا در جریان توده وسیع کارگران است. در اینجا سعی خواهیم کرد خیلی گزرا به این دو نکته اشاره ای بکنم.

اگر از سر تغییر در نگرش و نحوه فعالیت فعالین جنبش کارگری این مسئله را مورد بررسی قرار دهیم، شاید برگزاری مراسم اول ماه سال ۸۳ در سبز نقطه عطف و نقطه آغاز تغییر و تحولاتی باشد که فعالین کارگری بعد از يك دوره فعالیت زیرزمینی و پشت سر گذاشتن فضای خفقان پا به این دوره گذاشتند. فعالین کارگری قایم شده بی چهره و بی نام و نشان جای خود را به فعالینی دادند که با اسم و رسم، جامعه و جنبش کارگری را مورد خطاب قرار می دادند. همین فعالین جمع‌هائی را تشکیل دادند و رسماً گفتند با این وضعیت مشکل دارند و به هر دری زدند که کارگران را متشکل کنند. این مرحله گرچه قدمی بجلو بود، اما ناکافی بود. آنها در این دوره برای مدتی مشغول تشکیل محافلی شدند که هدف خود را بحث بر سر تشکل پذیری کارگران اعلام کرده بود. این مرحله هم گرچه لازم بود، اما وقت گیر بود و عملاً معلوم شد که به این شیوه نمی شود کارگران را صاحب تشکل توده ای کرد. اما همچنانکه گفتیم، بحث در این باره را از پستوها به جلو صحنه کشاند.

پیشروی جنبش کارگری را اما میشود از يك زاویه دیگر هم توضیح داد که بدون ربط دادن آن به منظر اولی، این تصویر ناکامل می ماند.

از صفحه ۱

گرچه عده‌ای از فعالین جنبش کارگری مشغول چك و چانه زدن بر سر راه و روش متشکل کردن کارگران بودند، کارگران عملاً در مراکز مختلف کارگری مشغول عملی کردن آرزوی آن فعالین بودند. سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه، مجامع عمومی منظم کارگران نساجی های کردستان و شاهو، و همچنین کش و قوسهای کارگران متشکل در سندیکای کارگران خباز سقز را می‌شود از همین سر توضیح داد. اما ایجاد همین تشکل‌ها هم بدون مبارزه و اعتراضات عملاً در جریان کارگران و آستین بالا زدن رهبران عملی این اعتراضات ممکن نمی بود. بدون مبارزه پیگیر کارگران نیشکر هفت تپه، عملاً ایجاد سندیکای این کارگران غیرممکن بود. مجامع عمومی منظم کارگران نساجی های کردستان و شاهو در سنجج هم بدون مبارزه پیگیر کارگران این مراکز بر علیه زورگویی‌های مدیریت امکان پذیر نمی بود. و از سوی دیگر بدون دستور بودن ایجاد تشکل های کارگری برای رهبران و فعالین کارگری این مراکز، عملاً اعتراضات آنها بعد از طی شدن مرحله روتین هر اعتراضی، به فراموشی سپرده می شد. اما جنبش کارگری وارد مرحله ای شده است که ایجاد تشکل توده ای کارگران در دستور فعالین این جنبش قرار گرفته و در هر اعتراضی این موضوع به يك مسئله اصلی اعتراض تبدیل می گردد.

اول ماه ۸۸ يك نقطه عطف

اول ماه مه ۸۸ در ایران بزرگترین و مهمترین واقعه تاریخ جنبش کارگری بعد از سرکوبهای دهه ۶۰ بود. اهمیت این موضوع در این است که تمام نهادها و فعالین شناخته شده جنبش کارگری در ایران پای يك قطعهنامه را امضا گذاشتند که انسانیت را نمایندگی می کرد. امسال طبقه کارگر ایران بعنوان نه قشری مستضعف، مظلوم و درمانده، بلکه بعنوان طبقه ای با قطعهنامه ای ابراز وجود کرد که اعلام کرد رهبر

جامعه است و می خواهد جامعه را از این وضعیت خلاص کند. کسی که نفعی در این سیستم نداشته باشد، حداقل بندی را در این برنامه مستقیماً به خود مربوط خواهد دید. اما اجازه بدهید سرتان را با این گونه داده هائی که بر کسی پوشیده نیست، درد نیورم و به موضوعی که مد نظرم است بپردازم.

اگر قطعهنامه اول ماه ۸۸ را ندیده و یا به دقت نخوانده اید، اولین توصیه ام این است که به آن نگاه کنید و در آن دقیق شوید که با چه وسواس و حساسیتی رهبری طبقه کارگر بر جامعه را بیان کرده است. دقت کنید و نکاتی را که نگفته و اصلاً به آنها بی اعتنا بوده است را نیز ببینید.

در یکی دو سال گذشته فعالین کارگری به زعم عده ای باید با این شیخ سر می کردند که نکند آنها هم با شبکه همبستگی آمریکائی در رابطه اند؟! در این یکی دو سال حاشیه نشینانی پرمدعا در هماهنگی با مجله "فرهنگ و توسعه" متمایل به "راه توده" در کمال وقاحت هر تحرکی در جامعه را در ارتباط با VOA تعریف کرده اند. گفتند که مهمترین مشغله جنبش کارگری مقابله با "مرکز همبستگی آمریکائی" (سالیدریتی سنتر) است.

گفتند که پول سالیدریتی سنتر در مارش است که طبقه کارگر را به فساد بکشد. اول ماه مه ۸۸ روز بدی برای این عده بود. ده تشکل و نهاد کارگری، همه فعالین شناخته شده کارگری، همه کسانی که حرف مربوط می زند، پای قطعهنامه ای امضا گذاشتند که "مرکز ثقل بودن موضوع مرکز همبستگی آمریکائی" را پوچ اعلام کرد و این جنجال کذایی کوچکترین ردی در ارزیابی شان از مبارزه طبقه کارگر و در طرز نگاهشان به وقایع جامعه نداشت!

در یکی دو سال گذشته عده ای علیرغم تحرك و وسعت جنبش کارگری که بر سر خواستها و اهداف و مسائل متنوعی جریان داشت، تلاششان این بود که نشان دهند کارگر کلاهش را چسبیده که باد نبرد، میخواستند نشان دهند که کارگران به

سیاست، به آینده، به اتحاد و به نبردهای بزرگ کاری ندارند و از نیازها و گیرو گرفتهای روزمره شان پایشان را فراتر نمیگذارند. اینها در تمایز با طیف فوق الذکر البته این "درایت" را داشتند که قبل از اول ماه کارگران را از تجمع کردن پرهیز میدادند. اول ماه ۸۸ و قطعهنامه رادیکال و عمیق آن بی ربطی اینها به کارگران و واقعیت های سیاسی و اجتماعی جامعه ایران را به هر کسی با درك متوسط هم نشان داد.

در ده سال گذشته عده ای شب و روز تبلیغ کردند که خاتمی و اصلاحاتش می رود که جامعه را فتح کند. گفتند که اصلاحات خاتمی جنبشهای دیگر را فتح کرده و جنبش کارگری راه دیگری ندارد مگر اینکه تسلیم جنبش اصلاحات بشود. به کارگران پیشنهاد کردند که بروند راه را برای ورود سرمایه‌های صندوق بین الملل پول هموار کنند. در قطعهنامه ای که کارگران امضا کردند، انگار حتی يك نفر هم ورق پاره های اینها را ندیده است! انگار حتی يك نفر هم در بین کارگران مشاوره رایگان اینها به "دامنیک ستراوس کان" (مدیر صندوق بین الملل پول) را جدی نگرفته است.

در ده سال گذشته، همین عده شب و روز تبلیغ کردند که استراتژی جنبش کارگری باید در تقابل با استراتژی لیبرال‌ها در جنبش کارگری باشد! باید تمام هم و غم فعالین گرایش چپ جنبش کارگری، در تقابل با ایجاد تشکل‌هائی باشد که شیخ سازمان تجارت جهانی برای کارگران در حال درست کردن است. قطعهنامه اول ماه مه ۸۸ از همه چیز می گوید جز از این استراتژی دروغین استراتژیستهای مشاورین بی جیره و مواجب حجاریان.

اینها اما در آخرین سخنرانی خود، بدور از چشم کارگرانی که قطعهنامه اول ماه ۸۸ امضا کردند، نوار پر کردند و به ای میل لیستشان فرستادند و گفتند که "اول ماه مه ۸۸ روز خوبی برای کارگران سوسیالیست و چپ جنبش کارگری است". الحق که چنین است. اما این نکته را باید

اضافه می کرد که اول ماه ۸۸، روز بدی برای کسی بود که همین حقیقت را به ناچار بر زبان آورد. روز بدی بود برایش چرا که پرونده اش را زیر بغلش گذاشتند و در واقع گفتند حرفها و مواضع پرت و بی ربط بود.

کشف ماجراجویان و

آواتاریستها در اول ماه ۸۸

اول ماه مه ۸۸ برای مدتها با ما خواهد ماند. واقعیتهای زیادی را تغییر داد. پرونده های بیبیشتری را خواهد بست؛ و آینده دیگری را جلوی جامعه گذاشت. آینده ای که از دو سو مورد مخالفت قرار می گیرد. حکومت اسلامی دشمن قسم خورده این آینده است و اول ماه ۸۸، که تصویر تمام نمائی از این آینده است را رسماً سرکوب کرد و هنوز هم تعداد زیادی از کسانی که آن روز دستگیر شدند در زندان هستند و ارتباطشان با خارج از زندان قطع است. کسانی اما ظریفتر مخالفت کردند. اینها ظاهراً دلشان برای جنبش کارگری می سوزد که تلفات ندهد! از آواتاریسم بدان می آید و نمی خواهند کارگران "ماجراجویی" کنند. اگر جمهوری اسلامی از رو قمه بست، اینها از رو این کار را نمی کنند. بزدلند، می ترسند که رودروی جامعه قرار بگیرند و بگویند ما چنین آینده ای را نمی خواهیم. مورد نفرت قرار خواهند گرفت و آنها را بر صندلی های کنار پادوهای خانه کارگر خواهند نشاند.

اول ماه مه ۸۸ فقط در تهران و پارک لاله نبوده که صدای آزادیخواهی و برابری طلبی را، صدای استقلال جنبش کارگری را فریاد زد؛ بلکه در هر شهر و کوی و برزنی صدای ابراز وجود جنبش مستقل طبقه کارگری به گوش رسید. در تبریز، رشت، مشهد، کرمانشاه، سنندج، سقز، کامیاران، میوان، بندرعباس؛ حتی به شهادت "ویلاگ مس سرچشمه" در معادن کرمان و باغها و کوههای اطراف این معادن نیز شاهد این واقعه عظیم بودیم. در تهران با وقاحتی که شبایسته جمهوری اسلامی است سرکوب شد. در تعدادی از جاهای دیگر قطعهنامه

پرونده هائی که ...

از صفحه ۳

اول مه ۸۸ خوانده شد و مورد استقبال قرار گرفت. در جاهائی کارگران به این روز بعنوان روز خود از آن استقبال کردند و به کوری چشم جمهوری اسلامی آن را جشن گرفتند. تاکید اینجا بر "استقلال" این روز بود. امسال کسی خبری از خانه کارگر و شوراهاى اسلامی نشنید. به کنج خانه هایشان رانده شده بودند و در مراسم خودشان به خطبه های نماز جمعه گوش داده و برای سلامتی رفسنجانی و خامنه ای و احمدی نژاد صلوات می فرستادند. اینها بال "کارگری" کسانی هستند که کارگران را با ضرب و شتم در پارک لاله دستگیر کردند.

همچنین استقلال از تملق گویی به کارگران تحت نام دفاع از کارگران هم بود. تملق گوئی که کارگر را فقط بخاطر استثمار شدن و کارگر بودن دوست دارد! کارگر رسماً به میدان آمد و اعلام کرد که رهبر جامعه است. گرچه نان شب فرزندش را گروگان گرفته اند؛ اما از حق همه زنان، کودکان، بازنشستگان، پناهندگان و همه دفاع می کند. از حق اسانلو و فرزاد کمانگر دفاع می کند و تنها اوست که برای آن يك راه حل انسانی دارد. اعلام کرد که برای همه بیمه می خواهد؛ آزادی بیان می خواهد و می خواهد که بساط سرکوب در جامعه برچیده شود. چنین قطعنامه ای اول از هر چیزی پرچم استقلال طبقه کارگر از خانه کارگر و تملق گوئی دروغین "کارگر کارگری" را در وسط میدان، در قلب تهران بر زمین کوبید. این واقعه بر دشمنان کارگران خوش نیامد. اجازه بدهید زیاد در باره خانه کارگر و دیگر بالهای جمهوری اسلامی نگوییم؛ اینها را همه می شناسند. اجازه بدهید دوستان دروغین جنبش کارگری را هم بشناسیم.

مخالفت با اول ماه مه ۸۸ از طرف تعدادی که خود را دوستان جنبش کارگری معرفی می کنند، خود را در هیبت بر سر زبان ها انداختن "ماجراجویی و آوانتاریسم"

بازنشستگان، دفاع از اعتراض و مطالبات معلمان، پرستاران و دانشجویان و غیره، اعتراض به صدور حکم اعدام برای فرزند کمانگر، دفاع از زندگی شایسته یک انسان برای کارگران فصلی، دفاع از کودکان، دفاع از کارگران زندانی چون اسانلو و خواهان لغو پیگرد فعالین کارگری بودن، دفاع از کارگران مهاجر و پناهنده و غیره، آوانتاریسم و ماجراجویی خوانده شود؟ آنهم بر متن و فضایی که هر روز بخش های مختلف کارگران در این جامعه نکبت زده جنگیده اند و حق اعتراض کردن و اعتصاب کردن و راهپیمایی کردن را عملاً به حکومت تحمیل کرده اند. حال همین کارگران و رفقای دیگرشان در روز اول مه اگر جایی جمع شوند، این ماجراجویی است!! اصلاً این چه موضع زشت و سفیهانه ای است که اگر جمهوری اسلامی ضربه ای به کارگران و به مردم یا به دانشجویان زد احساس میکند که حقانیتش ثابت شده است؟ اکنون کسی در ایران نیست که به خود جرأت بدهد و بگوید که این مطالبات نابجا هستند. اهمیتش در آن است که تشکل ها، نهادها و فعالین کارگری آن را فرموله و در اول مه، روزی که کارگران باید مطالبات خود را مطرح کنند، مطرح کرده اند. اگر رژیمي طرح يك چنین مطالباتی را دیروز در سال ۶۰ و ۸۳ و امروز در اول مه ۸۸ سرکوب کند، در سال ۱۴۴۰ هم، در آخرین روزهای حکومتش هم، در روز ظهور مهدی موعود و عیسی مسیح هم، در شرایط وجود تشکل کارگری در هر محیط کاری هم آن را سرکوب خواهد کرد. کسی که می گوید رژیم قدر قدرت است و کاری نکنید و همین مطالبات را هم مطرح نکنید، منتظر امام زمان است که بیاد تغییریری در وضعیت کارگران انجام بدهد. منتظر خاتمی دیگری است.

یکی نیست به این تشریسیین بگوید که مگر جنبش کارگری در سال ۸۳، که کارگران سقر مراسم اول مه سازمان دادند و موجب دستگیری تعدادی از سازماندهندگان آن مراسم هم شد، خیلی متشکل تر از امروز

بود که این دوستان این چنین سکوت کردند؟ واقعا جامعه ایران آن زمان خیلی بیشتر از امروز آماده انقلاب بود؟ واقعا "واقعیات" جامعه آتروز از "واقعیات" امروز جامعه ایران غیرانقلابی تر بود؟ کسی می تواند واقعیات جامعه ایران در سال ۵۷ را وارونه جلوه دهد؛ چرا که سی سال از آن زمان می گذرد و حافظه خیلی از آدمها ضعیف شده و خیلی از ماها آن دوران هنوز به دنیا نیامده بودیم. اما کسی که امروز با واقعیات سال ۸۸ طرف است، ۸۳ را که مثل دیروز به یاد دارد! چرا خودتان را این چنین دست می اندازید؟

در جامعه ایران و در جنبش کارگری آن، دو قطب بیش از هر زمان دیگر در مقابل هم قرار می گیرند. وقتی که نبرد نهائی در چشم انداز جامعه قرار می گیرد، انسانهای زیادی باید تصمیم نهائی خود را نیز بگیرند. کسی می توانست سال ۷۶ بگوید که مردم هنوز دلی به تغییر در جمهوری اسلامی بسته اند و شرایط ال است و بل. و کارگران عکس خاتمی و مصدق را در جیب دارند. اکنون اگر کسی این حرف را بزند کارگران آدرس "خانه کارگر" را نشان می دهند. بیخود نبود که منشویکها در انقلاب روسیه نه تنها عملاً در مقابل کارگران و بلشویکها قرار گرفتند، بلکه رسماً اعلام کردند حرفشان با حرف دشمنان شناخته شده کارگران یکی است. دوره رودروئی مستقیم منشویکهای نوعی ایران با کارگران شروع شده است.

این دوستان دروغین را طرد کنید!
اشتباه نکنید! اینها ترس از رژیم و به زندان افتادنها نیست. کسی که اینقدر ترسیده باشد، می رود حتی اخبار را هم دنبال خواهد کرد. اینها توجیهاتی است که جامعه را با آن به سکوت وادارند. تا با آنها از رادیکالیزه شدن جامعه و جنبش کارگری و جنبشهای دیگر جلوگیری کنند. خودشان حدس زده اند که جامعه در باره آنها چه فکر می کند. یکی از آنها گفته بود که "شاید در شرایطی که کامکان بسیاری از

دوستان و رفقایمان در ارتباط با تجمع پارک لاله در زندان به سر می برند و سرنوشت نامعلومی دارند، باز کردن بحث جمع بندی از سیاست و نحوه اجرای تجمع پارک لاله، نا به هنگام به نظر برسد. ولی به عقیده ما، بی توجهی به این مساله زبان های بسیاری برای جنبش ما در پی خواهد داشت. از فعالین زندانی سازماندهنده اول مه ۸۸ سؤال کرده است: "آیا انتظار چنین چیزهایی را نداشتید؟" باید به جای عزیزی که اکنون در زندان اند و چنین دودلی ایجاد کردن هائی باعث ماندن طولانی تر آنها در زندانها خواهد شد گفت که اتفاقاً چیزی را که انتظار نداشتند، مگس بودن شما دور شیرینی بود. تعدادی به اشتباه فکر می کردند که این محفل منحط هم با سازماندهندگان اول مه ۸۸ همراهی کرده است. اینها با هر ضربه ای که جنبش کارگری می خورد، شادی می کنند و تئوریهای شکست خود را به رخ دیگران می کشند! مگر نمی دانستید که جمهوری اسلامی را کسی یارای مقابله نیست؟! مگر انتظار نداشتید که این غول شکست ناپذیر، شما را با يك سر انگشت درب و داغان می کند؟! جنبش کارگری باید در سر راه شکست دادن جمهوری اسلامی، با چنین کسانی هم برخورد کند.

اکنون کارگرانی که زندانی شده اند، بیش از هر زمان دیگری احتیاج به کمک و حمایت دارند. آنها را مقصر دانستن می تواند در دل بسیاری از مخاطبین تزلزل ایجاد کند. در جواب به توطئه های رنگارنگ در بین فعالین کارگری، باید به کارگران بیشتری، به محافل کارگری در محیطهای کاری بیشتری فراخوان داد که به کمپین آزادی این عزیزان پیوندند. این چنین می شود زودتر پرونده اینها را بست. و قطعا شاهد پیوستن خیل عظیم کارگران و مردم به کمپین آزادی دستگیر شدگان اول مه خواهیم بود و حکومت را از اقدام و تعرضش پشیمان خواهیم کرد. ۲۱

مه ۲۰۰۹

مبارزات کارگران را ...

از صفحه ۱

سرمایه راه افتاده است. در این میان همین اصطلاح "فعالین جنبش کارگری" بعد از همدردی سعی وافر دارند که این مبارزات را کم اهمیت جلوه دهند و خود حرکت اول ماه مه ۸۸ را "ماجراجویی" و "گل و گشاد بازی" بر مبنای داشتن "تحلیل یک سویه و غیر دیالکتیکی" قلمداد میکنند که "که نتایج سیاسی خوشخیالانه و ساده انگارانه ای را به همراه می آورد". ظاهراً کارگران در این مورد هم نمره قبولی نگرفتند و حالا اگر مردود نشده باشند تجدید آورند! و باید تحت آموزش قرار گیرند تا در امتحان بعدی شاید موفق شوند که از این امتحان سر بلند بیرون آیند! و اینجا بطور نمونه به جمع بندی جمعی که خود را "جمعی از فعالین کارگری" معرفی میکنند میپردازیم که نکوهش کنندگان حرکت اول ماه مه تهران هستند.

(۱)

یکی از مصیبت های ما در همه این سالها (از سال ۶۰ تاکنون) این بوده که کسانی که مورد سرکوب واقع شدند خود متهم هستند که سرکوبگران را تحریک کرده اند و در نتیجه خود مقصرند. گویا اگر "رفتار معقولانه ای" داشتند اگر "تحلیل دیالکتیکی" می داشتند اتفاقی نمی افتاد! این "تحلیل دیالکتیکی" همان مثل معروف "زبان سرخ سرسبز را میدهد بر باد" را بخاطر انسان می آورد. اینجا عملاً یک دولت وحشی و جنایتکار از اتهام سرکوبگری معاف میشود چون سرکوبگر است!؟ این خود کارگران و یا فعالین کارگری و کمونیستی باید هوش و حواسشان به کارشان باشد و دست به "ماجراجویی" نزنند. نمونه سرکوب "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب" بسیار جالب توجه است. این دانشجویان بودند که یک چیزی هم بدهکار شدند که چرا علنی فعالیت

دارید؟" دست اندرکاران این حرکت چه به این سوالات جواب منفی دهند و چه مثبت در هر صورت محکوم هستند! شیوه طرح سوالات بدین گونه است که از پیش طرف را محکوم کند؛ چون اصلاً آن بیانیته نوشته شده که حرکت اول مه کارگران در تهران را زیر سوال برد. ایشان خیلی خلاصه و راحت بانیا این حرکت را به ماکیاولیسم متهم کردند و فرمودند: "این سیاست که "اعلام" تجمع مهم است، نه "اجراء" آن" به گفته ایشان "در برنامه ریزی تجمع اول ماه مه تهران تاثیر گذاشته است." از کجا این را فهمیدند؟ از آنجا که این حرکت سرکوب شده و از آنجا که همه میتوانستند حدس بزنند که سرکوب میشود!

کارگران همیشه سرکوب شده اند و تا زمانی که حکومت را به زیر بکشند با نیروی سرکوب مواجه هستند. آیا باید آرام باشند تا اوضاع روپراه شود؟ کی وقت به خیابان آمدن کارگران است؟ در این دوره اخیر مبارزات کارگران محافظی از این دست کارگران را نکوهش کردند که مبارزاتشان راه به جایی نمی برد، چون در محدوده کارخانه مانده، چون تدافعی است. کمپین افزایش دستمزد بی اثر است چون در دنیای مجازی است! چون طومار را رفته اند تحویل وزارت کار دادند! چرا آن پانزده هزار نفر که پای طومار را امضا کردند را فراخوان نمیدهند که حرکتی کنند؟ و از این دست بهانه جویها تا دلشان بخواد هست، اما حالا که کارگران رسماً و به صدای رسا همه کارگران و ایضا همه مردم را به گرامیداشت روز کارگر فراخوان داده شدند گناهکارند چون سرکوب شدند!؟ براستی در کجای دنیا سراغ دارید که سرکوبگر از زیر ضرب دریابید و سرکوب شونده باید پاسخگوی عمل سرکوب گر باشد؟ نظر این دوستان را بخوانید: "متأسفانه نحوه عمل ما در تجمع پارک لاله، که با بی توجهی

به احتمالات آشکار و نداشتن ابتکار عمل رقم خورد، نشان داد که ما هنوز رسالت خود را به درستی درک نکرده ایم." دوستان عزیز این پلیس بوده که با گاز اشک آور و باتوم و پنجه بوکس و هر چه فکرش را بکنید حمله کرده، کارگران چه رسالتی را باید این وسط درک میکردند و نکردند؟ رسالتی اگر در میان بود همان نمایش قدرت طبقاتی کارگران در روز جهانی خودشان بود که به خوبی درک کرده بودند. من شک ندارم همه فراخوان دهندگان میدانستند که پلیس آرام نمی نشیند چرا که دیدند پلیس امنیتی به فرزندان کارگران نیز رحم نمیکند. کارگران اینرا میدانستند و دقیقاً علیه همین شرایط به میدان آمدند و حق هم همین بود. اما ایشان خیلی راحت با متهم کردن کارگران به ماکیاولیسم آنها را محکوم میکنند نه سرکوبگرانشان را. کارگران به گفته ایشان با تجمع در پارک لاله اشتباه کردند؛ برای یک لحظه جرف ایشان قبول، بنا به اخبار از کارگران "صنف فلز کار و مکانیک" هیچ خبری نیست اینها که دیگر در آنجا نبودند بلکه در محل تعاونی شان بودند. اینرا چگونه توضیح میدهند. با بیانیته ایشان من اینطور استنباط میکنم که اینها هم چوب همان کمیته برگزارای اول مه امسال را خوردند؟

(۲)

در ادامه به این میرسیم که گویا کارگران فراخوان دهنده زیادی به خودشان غره شده و فکر "تناسب قوا" نبودند! فکر کردند موسم انتخابات است و رژیم سرش به کار خودش گرم است پس میشود یک کاری کرد!؟ اما غافل از اینکه خود رژیم در همه جا جاسوس دارد حتی پای کیوسک روزنامه فروشی ایستادند تا گزارش کنند مردم راجع به انتخابات چه میگویند! کار تا آنجا پیش میرود که حتی تظاهرات کارگران زیر سوال رفته که با شعار "ما گرسنه ایم" کار

خود رژیم است!؟ که دارند تمرین ضد شورش میکنند. با هم بخوانیم: "واحد های ویژه ضد شورش بر مبنای تازه ترین تمرینات پلیس کشورهای امپریالیستی، (!!!) مانور سرکوب شورش گرسنگان می دهند. یعنی یک گروه از آنان با شعار "ما گرسنه ایم" جلو می آیند و گروه دیگر باید انواع تاکتیک ها و ابزارهای سرکوب را روی آنان امتحان کنند."

دوستان محترم اینها خودشان الان به "پلیس کشورهای امپریالیستی" درس ضد شورش میدهند. نه فکر کنید کلاس آموزشی مستقیم گذاشتند و مستر فلانی شرکت کرده و آموزش میبیند. سی سال سرکوب برای همه نیروهای سرکوبگر دنیا آموزش است. این اولاً؛ دوماً واقعا متوجه هستید چه میگویند؟ چرا شما سعی دارید فضا را از آنچه که هست بیشتر وحشتناک نشان دهید؟ آیا اینگونه میخواهید "تناسب قوا" را تغییر دهید و "رسالت" کارگران را گوشزد کنید؟ این است "تحلیل دیالکتیکی"؟

"تناسب قوا" را چگونه میتوان بر هم زد؟ جز با مبارزات کارگران؟ چندین سال است که کارگران هر روز در اعتصاب و اعتراض هستند در همین شرایطی که شما توصیف میکنید؛ تشکیلات خود را سعی کردند تشکیل بدهند و دادند.

کمپین افزایش دستمزد سازمان میدهند. زندانی خود را از زندان بیرون میکنند. پلیس به کارخانه حمله کرده، به کودکان کارگران حمله کرده، رهبران کارگران را زندان کرده اما این مبارزات فروکش نکرده و این نشان میدهد که تناسب قوا به سود کارگران روز بروز تغییر پیدا کرده و اول مه تشبیت این تغییر بود.

(۳)

آیا به راستی با چنین روحیه و رفتاری می توانیم پیشروی کنیم؟ این سوالی است که نویسندگان

صفحه ۶

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مبارزات کارگران را ...

از صفحه ۵

کرده اند سخن میگویند. از سوی دیگر در برابر فشار اعتراضات و خشم عمیق و گسترده مردم، بازیگران حکومت در شوهایی مسخره انتخاباتی شان تلاش میکنند خود را از جنایات و سرکوب و تبعیض و آپارتاید جنسی حکومتشان مبرا و منفک کنند. کروی در کمپین انتخاباتی اش از مخالفت با اعدام کودکان دم میزند. میرحسین موسوی قول میدهد که نیروهای امنیت اجتماعی را از خیابانها جمع کند و لبخندی هم به جوانان میزند، محسن رضایی طرفدار مشارکت زنان در امور اجتماعی ار آب در میاید و احمدی نژاد هم قول مشارکت مردم در سهام نفت را میدهد! اما در کنار این شوی احمقانه که تحت عنوان انتخابات براه انداخته اند، روز اول مه دلازا دارایی دختر جوانی را که از ۱۷ سالگی به مدت پنج سال به جرم قتل ثابت نشده در زندان بود را اعدام کردند. گرانی بیداد میکند، دستمزد کارگر را ماهها نمیدهند، حداقل دستمزد را ۲۶۳ هزار تومان که یک چهارم خط فقر است که

مبارزات کارگران را ...

از صفحه ۶

بیانیه از کارگران میپرسند و این سوالی است که دقیقا باید از نویسندگان بیانیه پرسید. چه اصراری دارند که حرکت کارگران را کوچک جلوه دهند؟ چرا فکر میکنند دست اندرکاران این حرکت فقط برای "اعلام" تجمع بوده "سپس تبلیغات اینترنتی و ماهواره ای حول آن" دست به این کار زدند تا به گفته ایشان "انعکاس فراخوان یک تجمع در رسانه های بین المللی و سپس محکوم کردن سرکوب آن تجمع از طرف مجامع و نهادهای بین المللی باشد." یعنی تمام مبارزه کارگران فقط برای یک شو و خودنمایی است؟

گیرم که اینگونه باشد کجای آن اشکال دارد؟ چرا نباید کارگر نشان دهد که من هم هستم و یک پای معادلات سیاسی جامعه هستم. چرا این برای ایشان گران تمام میشود که کارگران خودنمایی کنند؟ اکنون چهار کنفدراسیون بزرگ بین المللی فدراسیون جهانی روز ۲۶ ژوئن (۵ تیر) را "روز جهانی مبارزه برای احقاق حقوق پایه ای کارگران ایران" اعلام کرده اند چرا سعی دارید این را بی اهمیت جلوه دهید؟ ایشان میفرمایند: "باید بگوییم که در این حیطه دست امثال کوهستانی نژادها و "سولیدارتی

در پاسخ به فراخوان ...

از صفحه ۱

در ایران میآورد. این فراخوان باید با موج حمایت در داخل و خارج کشور پاسخ بگیرد. روز ۲۶ جون (۵ تیرماه) را باید نه تنها در خارج کشور بلکه در داخل کشور نیز به یک روز بزرگ اعتراض علیه جمهوری اسلامی و روز دفاع از خواست های کارگران، آزادی فوری کلیه دستگیرشدگان و کلیه زندانیان سیاسی تبدیل کنیم. کلیه نهادها و تشکل های کارگری و مراکز کارگری در سراسر کشور، دانشجویان، زنان و کلیه تشکل ها و نهادهای مدافع حقوق انسانی و همه مردم آزادیخواه باید به این اعتراض پیوندند، از این فراخوان حمایت کنند و به یک موج اعتراضی گسترده در سراسر کشور

شکل بدهند. حزب کمونیست کارگری قاطعانه از این اقدام حمایت میکند و همه مردم آزاده در داخل و خارج کشور را فرامیخواند که با پیوستن به این حرکت، این روز را به یک موفقیت بزرگ برای کارگران و مردم ایران و شکستی برای حکومت سرکوبگر اسلامی تبدیل کنیم. کلیه دستگیرشدگان اول مه و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۱ مه ۲۰۰۹، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۸

انتخابات را بر سرشان خراب کرد. باید بساط کمپین های انتخاباتی شان را از همه جا جمع کرد و پوستریایشان را پاره کرد و پایین کشید. باید همه جا را با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد کانال جدید، زنده باد سوسیالیسم پر کرد. باید مبارزات خود را حول خواستهایمان، خواستهایی که در

نمیکنید؟ مگر در اینترنت مسایل را انعکاس دادن گناه است؟ چرا برای بورژواها گناه نیست اما به کارگر میرسد آخ میشود؟ دوستان عزیز ممکن است بفرمایید در این روز و روزگار نظراتتان چگونه به گوش دیگرانی امثال من میرسانید؟ مگر غیر از این است که از اینترنت استفاده میکنید. ماهواره هم که خوشبختانه به یاری حزب کمونیست کارگری کانال جدید هست چرا سعی نمیکنید از آن استفاده کنید.

دوستان محترم چرا ایشان تریبون میگذارند که به مسایل جنبش کارگری پردازند آیا غیر از این است "تناسب قوا" به نفع کارگران تغییر یافته و هر جور شده میخوانند سدی بر این مبارزات باشند؟ گیرم که حرف شما درست باشد شما چرا حرکت کارگران را تخطئه میکنید و حقیر میشمارید. شما چرا دستاوردهای این مبارزه را ندیده میگیرید. شما چرا در اینترنت این حرکت را بطور وسیع منعکس

دوستان محترم چرا ایشان تریبون میگذارند که به مسایل جنبش کارگری پردازند آیا غیر از این است "تناسب قوا" به نفع کارگران تغییر یافته و هر جور شده میخوانند سدی بر این مبارزات باشند؟ گیرم که حرف شما درست باشد شما چرا حرکت کارگران را تخطئه میکنید و حقیر میشمارید. شما چرا دستاوردهای این مبارزه را ندیده میگیرید. شما چرا در اینترنت این حرکت را بطور وسیع منعکس

دوستان محترم چرا ایشان تریبون میگذارند که به مسایل جنبش کارگری پردازند آیا غیر از این است "تناسب قوا" به نفع کارگران تغییر یافته و هر جور شده میخوانند سدی بر این مبارزات باشند؟ گیرم که حرف شما درست باشد شما چرا حرکت کارگران را تخطئه میکنید و حقیر میشمارید. شما چرا دستاوردهای این مبارزه را ندیده میگیرید. شما چرا در اینترنت این حرکت را بطور وسیع منعکس

صفحه ۷

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

مبارزات کارگران را ...

از صفحه ۶

وجود تهدید مکرر رژیم سفاک جمهوری اسلامی؛ شما که ظاهراً میفهمیدید و دیالکتیک هم میدانستید و نگران بودید و میدانستید این حرکت اشتباه است چرا به زبان نیامدید؟ چرا سکوت کردید و ایستادید که سرکوب شوند؟ حالا کارگران را مورد شماتت قرار میدهید؟ دوستان این کانال وجود دارد این تنها رسانه ای است که برنامه زنده دارد و عملاً کارگران میتوانند به ابراز نظر بپردازند و چرا شما هیچی کاری نمیکنید؟ میدانم که سوال من بجا نیست. ایشان حتی ابا دارند که نام کانال جدید را به زبان آورند چه رسد به آن تماس بگیرند. اما آنجا هم که به ایما و اشاره به این کانال اشاره میکنند قصد دارند این کانال را نیز تحقیر کنند که درکی از اوضاع و تناسب قوا ندارد. اتفاقاً یکی از دلایلی که تناسب قوا را به نفع

کارگران بیشتر تغییر داده وجود همین کانال است. این را میدانند که نمیشود انکار کرد. پس بهتر است نامی از آن مستقیماً بر زبان نیاورد. چون معنیش اینست که فراخوانها کانال جدید روی کارگران وسیعاً تاثیر دارد. (۵)

اما توصیه ایشان برای تغییر تناسب قوا چیست؟ فرمودند "بدون گل و گشاد بازی" میشد یک کارهای کرد که "برای نیروهای رژیم غافلگیرانه بود" و برای اینکار "افراد متعهد و مطمئن" لازم بوده که میشد سازمانشان داد که تو محلات مختلف یکپهو ظاهر و غیب شوند و ایشان تضمین دادند "که می توانست با موفقیت به انجام برسد برسد و باعث تقویت همبستگی و روحیه مبارزاتی شرکت کنندگان و مخاطبانش بشود." و مهمتر اینکه "چه بسا برگزاری

از صفحه ۱

در مورد دستگیر شدگان ...

تعدادی، همون روز اول آزاد شدند و تعدادی هم از خانمها دیروز آزاد شدند ولی از فعالین کارگری که همچنان در بازداشت هستند هیچ خبری نیست. از جمله تعدادی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران که شما هم عضوش هستید. مایل بودم که اگر خبری از این افراد دارید و چیزی شنیدید، و در نهایت ارزیابی هم که از ادامه بازداشت اینها دارید و از اوضاع بی خبری از این دستگیر شدگان دارید بما هم بگید و ما را هم شریک کنید.

پروین محمدی: منم سلام میکنم شما و به شنوندگانتون و مرسی از فرصتی که بمن دادید. واقعیتش همینه که شما گفتید دو هفته از این جریان میگذره ولی متأسفانه تعدادی از دوستان ما کماکان در زندان هستند و دیروز هم بغیر از خانمی که بنظرم جلوه جواهری باشه بقیه زنان را آزاد کردند، و من فکر میکنم بر طبق آمارهایی که شنیده میشه اکنون دیگه زنی که در پارک لاله دستگیر شده باشه در زندان باقی نمونده. ولی در مورد

چنین آکسیون هایی در محلات زحمتکشی، خود فرصتی برای بروز اعتراضات خودجوش هر چند محدود مردم محل می شد. اولین سوال این است چرا الان اینها را مطرح کردید؟ چرا قبل از اول مه نگفتید تا کارگران آگاه شوند؟ بعلاوه مطمئنید که اگر آن تظاهراتهای خودجوش مردم محل هم صورت میگرفت سرکوب نمیشد؟ و شما هم همین حرفها را علیهشان نمیزدید؟ دوم اینکه چه کسانی "افراد متعهد و مطمئن" را انتخاب میکردند. ملاکشان چی بود و هست؟ تعهد به کجا و به چی؟ مطمئن از چی؟ که خیانتکار نباشند؟ یا چنانچه شما میگوئید در اسارت یکپارچه عمل کنند. و اگر نکردند؟ باید طردشان کرد؟ دوستان، طبقه کارگر و مبارزات یک طبقه را چه تعریف میکنید که اینجنین با مبارزات چریکی و پارتیزانی اشتباه گرفته اید که به دنبال افراد "متعهد و مطمئن"

روزهای اول یکجور اتهاماتی به این عزیزان زده میشد و اخیراً هم شنیده شده که اصلاً هیچگونه اتهامی برای اینها تفهیم نشده. شما در این مورد چه اطلاعاتی دارید؟

پروین محمدی: واقعیتش ما از اونهایی که ارتباط تلفنی نداشتند هیچ خبری نداریم؛ ولی دیروز که برای آزادی دوستانی که خانم بودند رفته بودم و از شون سوال میکردم، میگفتند که ما خودمون هم موندیم که ارگانهای مسئولی که باید مشخص کنند که جرم اینها چیه همگی پاسخهای ضد تقیض میدادن و کلاً اوضاع اینجوریه که هر کسی سلیقه شخصی خودش رو اعمال میکنه و یا به زعم خودش جرمی میننده. یعنی سخنگوی قوه قضائیه و دادسرای انقلاب و یا اون پلیس امنیتی که اینها را گرفته بود هیچکدوم جواب نمیدن که این افراد چه گناهی کرده اند! ولی دیروز که من با چند تن از دوستان آزاد شده مون صحبت میکردم و میپرسیدم که چه بالاخره آخرش بشما گفتند که چه جرمی کردید و برای چه چیزی کفالت دادید و آیا اون کسی که ضامن شما شده میلوئه که ضامن چه چیزی شده و

هستید؟ اینها و سوالات بی شمار دیگری است که امیدوارم حداقل در خلوت خودشان به خودشون جواب بدهند. امیدوارم!

(۶)

اما آنچه که اتفاق افتاد دستاوردهای زیادی را برای طبقه کارگر ایران داشت. و مهمترین و اساسی ترین آن اعلام حضور طبقاتی کارگران در مبارزه جاری سیاسی در جامعه ایران است. اگر به امید دوستانی از قبیل ایشان بنشینم همین دستاوردها به باد خواهد رفت. باید این دستاورد را تثبیت کرد. باید به سرکوبگران مهلت نداد که بتوانند خودشان را جمع و جور کنند. برای اینکار در ابتدا تاکید بر حقانیت و درستی حرکت کارگران است و حق طبیعی و انسانی آنها دانستن که خواستههای خود را فریاد بزنند و خواستار محقق شدن آن باشند. با حقیر شمردن مبارزات کارگران و خوار

شما چکاری را نباید بکنید؟! همگی برگشتند گفتند که اینها اصلاً تنها چیزی که بما جواب ندادن همین بود که ما چه جرمی کردیم بغیر از اینکه فقط گفتند که شما آزادید و همین شد که ما هم اومدیم بیرون! یعنی چه اونهایی که آزاد شدند و چه اونهایی که در زندان هنوز بهشون تفهیم نشده که چه جرمی را مرتکب شده اند و اگر خطایی کرده اند بار دیگر انجام ندن!

رادیو برابری: خانم محمدی، در طی دو هفته اخیر خبرهایی میشنیدیم از جهت آزار و اذیت بازداشت شدگان و شکنجه های جسمی و روحیشون. آیا شما در این مورد هم چیزی شنیده اید از این آزاد شدگان؟

پروین محمدی: من از آزاد شدگان چیزی نشنیدم که آزار و اذیت جسمی صورت گرفته باشه ولی زمانی که در جلوی چشم تمام کسانی که در پارک لاله بودند ما دیدیم که هنوز قبل از اینکه جرمشان را تفهیم کرده باشن با باتوم افتادن به جوشون. و من خودم دیدم صحنه هایی را که بهرحال (کارگران دستگیر شده) خونین و مالین شده بودند و خون از کله شون میریخت. و از اعضای اتحادیه کسانی

کردن ایشان فقط آب به آسیاب جلادان ریختن است. از هر حرکت مبارزاتی کارگران ولو کوچک باید حمایت کرد و جهانی اش کرد چه رسد به حرکت بزرگ اول مه ۸۸ که باید پرچی شود برافراشته بر فراز جنبش طبقه کارگر تا همه مردم "بینند که خورشید شان کجاست." این روند و این مبارزات ادامه دارد و قطعاً و علیرغم این مخالفت خونینها، گسترده تر ادامه خواهد یافت. کارگران ناچارند بچنگند و میجنگند. کارگران ناچارند به خیابان بیایند و می آیند. اول مه را با جنگ و گریز زنده نگاه داشته اند و به حکومت تحمیل کرده اند و تجمعات و تظاهراتهای گسترده در اول مه را هم برپا خواهند داشت و به حکومت تحمیل خواهند کرد. اول مه ۸۸ خود یک فاز و تحول مهم در همین راستا بود.



پروین محمدی

را میدیدم که دست و انگشت شون شکسته بود و پیشونیشون شکافته بود. و تمامی این اعمال هم در جلوی چشم همه اون تجمع کنندگان انجام گرفته بود. حالا اینکه در توی زندان دور از چشم جامعه چه برخوردی با دستگیر شدگان میکنند را باید خودشون جواب بدن...

رادیو برابری: در عین حال در سایتهای مختلف بخصوص در سایت اتحادیه آزاد کارگران و مجموعه ای از خبرهای کارگران و کارخانه ها و مراکز تولیدی همگی نشون میدن که این بدبختی بعقب افتادن دریافت حقوق و مسئله بیکارسازی و مسئله اخراجها و غیره همچنان بقوت خودش باقیه و همچنان ادامه داره. و از طرفی هم در آستانه انتخابات هستیم و میشنوم که به بعضی از اقشار جامعه پول هدیه میکنن تا رای شان را جمع آوری کنن.

در مورد دستگیر شدگان ...

از صفحه ۷

و این اخراج سازیه‌ها و بیکار سازی‌ها که البته تعدادی از نماینده هاشون بخاطر رساندن صدای حق طلبی شون در زندانها هستند. راجع به این اوضاع و توی این رابطه هم اگر خبری دارید و ارزیابی دارید ممنون میشم از شما بشنوم؟

پروین محمدی: بله، واقعیتش اینه که از چندین سال قبل یعنی من خودم در مجموعه صنعتی خودمون از سال ۸۶ این تعرض و بیکار سازی و تعرض به حقوق کارگر را مشاهده کرده ام و دیده ام و لمس کرده ام. و این پیشروی آقایونی که صاحب این مرکز شده اند که کارخونه بزرگ دولتی بوده و بروال جدید که اکثر کارخونه ها را با ماده ۴۴ خصوصی سازی از سال ۷۶ شروع به واگذاری کرده اند؛ همه این شرکتها را به یک نوعی بنام خصوصی سازی درگیر این سیاست کرده اند. چرا، چونکه آقا سودش رو میخواد. انگار قبلا که دولتی بوده و تا حالا که دولتی بوده این دولت سودشو نمی خواسته! و بدینصورت میبینیم که به یکنوعی این بار واضح تر و شفافتر از قبل افتادن به جون کارگران تا افزایش حقوق نداشته باشند و اضافه کاری های اجباری داشته باشند. میخوام بگم که بیکار سازی و قراردادی ها از سال گذشته با سرعت زیادتری در مجموعه صنعتی ما شکل گرفت که در مقایسه با ده سال گذشته بهیچ عنوان اینجور سابقه نداشته و هیچ کارگر استخدامی دیگری نداشته اند. و این روند روی به رشدی که کلا پیمانکارها و این تخلفاتی که از همین قانون تصویب شده در این شرکت داشته اند از سال گذشته به اوج خودش رسیده و در واقع اوج بیکاری را هم برای همین بوجود آوردن که من و امثال من که بطور استخدامی و رسمی سر کار هستیم بتونن بیشتر از این و راحت تر از این حق و حقوق مون رو بخورند. چرا که در مقابل کوچکترین اعتراض کارگرانی مثل من که استخدام رسمی هستیم معلوم شد که یک جور بازی کردند و یک جوری اذیت و آزارمون دادند. چرا؟

من این شرایط نیم ساعت پایان کار و استحمام و غیره برقرار بشه. در مقابل اینها هم خیلی تلاش کردن که برای ماها هم فشار بیان تا بگن که شما هم مثل بقیه کارگران ایران هستید. یعنی منظورشان قرار دادی هاست! - و میگن که خون تان رنگین تر از خون کارگران اونها نیست و باید مثل اونها کار کنید! در واقع اون بیچاره ها حتی وقت غذا خوردن را هم ندارند. یعنی در حالی که دارن کار میکنن، هست که آن یه لقمه غذاشون رو هم گاز میزنن! بنابراین میخوام بگم که ما استخدامیها هستیم که الان مزاحمین این کارفرماها هستیم؛ چونکه از اول سال ۷۶ (اینکه میگم سال ۷۶ منظورم این نیست که این سال معیاری باشه برای کل جامعه ایران، بلکه از اونجایی که این سیاست در مجتمع ما از این سال شروع شده) داشتم میگفتم در واقع تصمیمی که اینها گرفته اند اونهم در پروسه ده ساله ای که در شرکت ما مطرح بوده دقیقاً همین بود که بجای اینکه شرایط کارگران قراردادی را بدرجه ای انسانی تر و بهتر بکنن و وضعیتشون را مناسبتر بکنن، برعکس با این سیاست شرایط کار را رو سوندن به اینجا که بگن شماها خیلی پورو شدید! و این وضع کار کردن نیست که شما کار میکنید و وقت چایی داشته باشید که به ربع ساعت ده میشینید و به ربع هم وقت ظهر میشینید و غیره و غیره! ما سر این موضوعات مذاکرات خیلی زیادی داشتیم. بویژه اون موقع که من نماینده کارگران بودم در مقابل من هم دیگر بچه هایی بودند که نماینده مدیر بودند و با من بحث میکردند و دلیل میاورند که باید ساعت کار رو تغییر داد، و میگفتند دلیلی نداره که از وقتی که وارد کارخونه میشید تا وقتی که از کارخونه خارج میشید ساعات کار را حساب بشه؛ بلکه باید آن لحظه ای که لباس کار میپوشید شروع کار حساب بشه و لحظه ای هم که دست از کار میکشید باید پایان کار بحساب بیاد! ما دیگه کاری نداریم که چقدر طول میکشه شما به سرویس تون برسید یا استحمام کنید و غیره و غیره! بنظر ما کارگران، همه نکات ولی الان عمدتاً زمینش هست که

مربوط به شروع و پایان کار از اول انقلاب در قانون کار قید شده بود؛ ولی الان همه آنها هم همینطور مورد تعرض قرار میگیرند. چرا؟ برای اینکه الان کارگرانی هستند که مثل من استخدام رسمی باقی مونده اند و از آنجایی که الان مدیران کارخانه هایی که کارگران رسمی میگیرند دارن نشون میدن که خیلی ضرر میکنن و نمیتونن کارگراشون رو براحتی اخراج بکنند. و برای اخراج این کارگران هم باید حتماً دلایل منطقی از وزارت کار داشته باشن. لذا الان دیگه به توطئه های دیگری دست آویز میشن؛ از جمله اینکه حالا حقوق کار رو بموقع نمیدن و یا شرکت رو ورشکسته اعلام میکنن و میزان تولید را تا حد زیادی پایین میارن و شرایطی ایجاد میکنن که بطور مدام از تعداد کارگران کم میشه و برن و بجای ماها کارگران قراردادی بگیرن! مشخصاً الان کارگران ما تعدادشون خیلی کمتر از سالهای قبل شده، آنهم به این خاطر که بخشی از کارگران استخدامی که با این سیاست مواجه میشوند فکر میکنند که حالا که کارفرماها ده ماه و یکسال حقوق کارگرو رو نمیدن لذا بخاطر اینکه زندگیشون بچرخه مجبورن که اینجا را ول کنن، و بگن که «گور پدر وضعیت استخدامی و بهتر برم نون بچه هامو دربارم. چونکه هرچه اینجا میمونم این شرکت با یک ماه دو ماه تحمل کردن من و امثال من درست نمیشه!» و بدینصورت مجبور میشن و کارخونه رو ترک میکنن.

رایو برابری: معذرت میخوام خانم پروین، دفعه پیش که باهم صحبت میکردیم اشاره کردید به صنایع فلزی، لطف بکنید بگید که الان در کدام شرکت کار میکنید و تولیداتش چیه و کلا چقدر کارگر داره و چقدر کارمند داره؟

پروین محمدی: وقتی من میگم صنایع فلزی واقعا شرکت صنایع فلزی ایرانه و اسمش همینه، نه اینکه مشخصاً چون با فلز کار میکنیم پس بیام بگم که شرکت ما صنایع فلزیه و فلان. بلکه واقعا شرکت صنایع فلزی ایرانه و شرکت خیلی بزرگی هم بوده. ولی الان عمدتاً زمینش هست که

خیلی بزرگ مونده و من وقتی میگم که اینها میخوان بقول معروف زمینش رو دلالی کنن تازه اونوقت این آقایون ناراحت هم میشن و البته حالا که بازار بورس مسکن و زمین اومده پایین شاید آقایون یه مقدار کم تحرك شده باشن. ولی واقعیت اینه که این کارخونه قدمت ۵۰ - ۴۵ ساله داره و کارش اینه که کلیه نیروگاههایی که در کشور ساخته شده چه کلیه پلهای سواره رو و پیاده رو و کلیه تاسیسات عسولیه که ساخته شده، و تمام کارهای مهم فلزی را این شرکت بوده که میساخته. کلا پل خیبر را بر روی رودخانه کارون در زمان جنگ ساخته. لذا کارخونه فوق العاده عظیمیه که از چهار تا کارخانه تشکیل شده بود که وقتی من دارم میگم از سال ۷۶ این شرکت فرق کرده است، علتش اینه که در این سال قسمتی از کارخونه را به بنیاد شهید واگذار کردن و بخشی از شرکت را هم بشکل سهام به کارگران دادن. اونموقع در سال ۷۶ ما نزدیک هزار و پونصد تا کارگر داشتیم، که در کارخونه ای که من هستم یعنی کارخونه شماره ۲ که تمامی اون وسایلی که شرح دادم همه رو این بخش میسازیم. و کارخونه شماره ۱ هم که میز و صندلی و وسایل اداری میسازه. کارخونه شماره ۳ هم توی ساری هست که اونجا هم همین کاری را که در شرکت خودمان میکنیم انجام میدادن. کارخونه شماره ۴ هم همینطور همین کارها را انجام میداد. یعنی کلا هزار و پانصد نفر نیرو اینجا کار میکرد، ولی متأسفانه در طی این سالها الان رسوندن به اینکه این چهار تا کارخونه تبدیل به این شد که فقط دوتا از کارخونه ها فعالند و اونهای دیگه را یا بشکل قول نامه ای و یا بشکلهای دیگری فروختن و ضررهای فوق العاده ای کردن و رو نمیکند. و اکثر بدهی هاش هم به دولت هست. یعنی بدهی تامین اجتماعی را ندادن و بدهی های سنگینی به شهرداری و تمام ارگانهای دولتی مونده و باید بدن. و بخاطر این بدهی های سنگین بود که در سال ۷۶ یکدفعه دیدیم که سیصد تا از کارگران قراردادی را ریختن بیرون. و در این دو تا کارخونه

در مورد دستگیر شدگان ...

ار صفحه ۸

باقیمونده هم فقط رسمی ها رو نگهداشتند.

پارسال در آذرماه یکدفعه اومدن شرکت را تعطیل اعلام کردن که منجر به فوت همکارامون در سر کارش شد. یعنی این کارگر بعد از سالیان کار اگر دو سه ماه هم زنده میموند دیگه بازنشست میشد. بخاطر همین نگرانی سخته کرد و مرد! زمانی که متوجه شد که شرکت دیگه هرکی هرکی شده با فشارهایی که چندین ماه حقوق نگرفته بودیم و به خانواده اش وارد شد بخاطر همه اینها بود که سخته کرد.

دو هفته پیش هم یکی دیگر از دوستانمون سخته کرد. توجه داشته باشید که هیچکدام اینها قتل حساب نمیشه! بلکه همه اینها بحساب طبیعی میمیرند! ولی هیچکس دیگه نمیتونه اینرا فکر بکنه که زمانی که بهش اتهام میزدند که مواد توی جیبشون پیدا میشه ما اشک این کارگران رو میدیدیم. البته در بین کارگران چه کسی بود که حرفشون را باور کنه. ولی واقعیتش اینه که همه در سنین پایین یکی ۴۵ ساله و یکی ۵۰ ساله، آقای تیمور زنگنه و آقای جمال عباس زاده بود که همه اینها جلوی چشم بقیه بچه ها فوت کردند.

تک تک کارگران هم میدونستند که از روی فشارهایی جان باختند که مثل همه کارگران برای اینها هم اومده بود. چرا که درسته که همه ما کارگران یک سیستم و یک جامعه ایم ولی هر کارگری تحمل اینهمه ماه حقوق ندادنهارا نداره و شاید فکر کنه که جای دیگری کار گیر نیاره و تخصص دیگری هم نداشته باشه. لذا همه اینجوری نیستند که با این وضعیت بیکاری بتونن برن کار دومی پیدا بکنن و تمام مسائل را تحمل کنند.

واقعیتش این هست که به این شکل با جون کارگران و با توانشون و با نان و درس بچه هاشون و با همه چی شون بازی میشه. اونوقت میبینیم که به این روز میافتن. متأسفانه الان تعداد کارگران از هزار و پانصد و هزار و دوست رسیده به اینکه دو تا کارخونه الان روی هم ششصد تا نیرو

داره و الان در همین شماره ۲ که من هستم سیصد تا نیرو داره کار میکنه و همگی هم رسمی هستیم. یعنی اصلا کارگر قرار دادی نمیگیرن و سیاستشان هم کلا اینه که این رسمی ها رو بهمین شکل اونقدر خسته بکنن که خودشون بذارن برن! برای اینکه اگر خود مدیریت بخواد بیرونشون کنه همانطوری که توضیح دادم طبق قانون باید به رسمی ها سنوات بیشتری بدن. ولی یه کاری میکنن که مثل اون خانمی که شوهرش نمیخواد که مهریه بده و اونقدر اذیتش میکنه که آخرسر خودش بگه که «مهرم حلال و جونم آزاد» و میداره میره! اینجا هم بهمین شکل اونقدر اذیت میکنن که خود کارگران بذاره برن!

رادیو برابری: خانم محمدی، سوالی که پیش میاد اینه که از هزار و پانصد کارگر مربوط به چهار واحد تولیدی بزرگ که الان شده دو واحد با ششصد نفر، خب اونوقت نیازهای یک جامعه ای با جمعیتی بیش از ۸۵ میلیون نفر با این سیاست چطور باید تامین بشه؟ چطور شده که اینجور شده؟

پروین محمدی: در اون زمانی که هزار و پانصد تا نیرو داشتیم این شرکت و چندین شرکت دیگری که میدونم که از انگشتان دست هم بیشتر نبودند و صرفا چند نفر بودن که این صنعت را ادامه میدادن. البته من فقط میتونم راجع به صنعت خودمون حرف بزنم، ولی الان تا دلتون بخواد شرکتهای پیمانکاری بوجود اومده که داره همین کار را انجام میده. یعنی اینها با خوابوندن چنین شرکتهای بزرگی، شرکتهای ریز و کوچک بسیاری در حاشیه اینها بوجود آوردن که خیلی راحت با همون فرمولی که گفتیم از اونجایی که کارگر ارزون را میگیرن آنها با فشار کار بسیار بالا، آنها بدون هیچگونه سرویس و خدمات انسانی به کارگران سوددهی بالایی هم دارن و البته اینجوری هم نیستش که این بیکارسازها واقعی باشه؛ بلکه بیکارسازی را برای این بوجود میارن که در یک جای دیگه ای از این مفت تر

بهرکشی کنن و سود ببرن.

درسته که من میگویم که ترس از این را دارم که اگر برم بیرون اونوقت با جامعه بیکاری مواجه میشم؛ ولی با این حقوقی که بعد از ۲۵ سال استخدام رسمی بمن تعلق میگیره و بهرحال سطح حقوقی دارم و وضعیت سابقه کاری دارم، البته اگر بموقع و باندازه نصیبم بشه، و امنیت شغلی دارم لذا اگر من بیرون برم اونوقت دیگه مشابه این کار جای دیگری گیر نیاد. الان دیگه همه جا قبول کردن که دیگه استخدام دائم ندارند و همه کارگران هم استخدام قراردادی رو پذیرفتن. و همه آقایون قبول کردن که میشه زیر حداقل دستمزد هم حقوق داد و اساسا حداقل دستمزد را صرفا برای کتابها و قانون قبول میکنن و در آئین نامه هاشون میارن. در صورتی که در سطح جامعه این حداقل دستمزد عملا داده نمیشه. همچنین میتونن بیمه بگیرن و به کارگر میگن که اگر خودت بیمه ات رو میدی اونوقت من بیمه ات میکنم! و کارگر هم تعجب نمیکنه و شاخ در نیاره. برای اینکه جامعه همینها ولی اگر من بیست سال پیش میرفتم توی جامعه اونوقت تعجب میکردم. چونکه اونوقت هنوز این سیستم به این شکل غالب جامعه نشده بود. ولی الان دیگه اون وضعیت غالب شده و وضعیت ما طبقه کارگر و زحمتکش بدتر میشه و بدتر هم خواهد شد. در مقابل هم برای یکسری از آدمها بهتر و بهترتر هم میشه و خواهد شد. اصلا معلوم نیست که چه جوری در میان و چه جوری خرج میکنن. هیچ کنترلی هم برای اونها وجود نداره. در واقع هر چه خط قرمز هست برای من کارگر اعمال میشه، برای کسی هست که اونقدر درد داره و هیچ مسئولی نمیبرسه که وضعیت چطوره و چه دردی داری. من خودم سرپرست خانواده خودم هستم و دخترم را سرپرستی میکنم. سوالی که من داشتم این بود که چرا هیچ ارگانی از من بعنوان اینکه یک شهروند ایرانی هستم و بعنوان اینکه یک زن هستم، آنها زنی که اینها میگن باید محافظتت کرد و باید تحت سرپرستیش قرار داد و نجیب است و غیره، زنی که اونقدر ضعیفه هست که

نمیشه همینجوری ولش کرد و بحال خود رهاش کرد. بلکه میگن باید قسیم داشته باشه و باید یک آقایی و یه مردی از اون حمایت کنه. خب حالا من بعنوان یک زن ایرانی که یک شهروند این جامعه هستم هیچکسی از من سوال نکرده که زمانی که بتو حقوق نمیدن تو چکار میکنی! البته همکاران از من میپرسیدن و میگفتن که بابا ما لااقل وقتی بیکار بشیم میریم سیگار فروشی و میریم مسافرنکشی ولی هیچ مسولی از من اینو نمیپرسید که تو یک زن و یک مادر تنها که در این ده ماه حقوق نگرفتی که باید خدا تو من هم پول مستاجری بده و اگر قسطی داشته باشم باید قسط بانک رو بدم و غیره، هیچکس نمیپرسید که تو چه جور زندگی میکنی و کی مسئوله برای زندگی و امنیت تو؟! ولی خیلی ببخشید، اگر من میرفتم کنار خیابون خطایی میکردم اونجا دیگه میگفتند که تو خطا کردی که رفتی تن فروشی کردی. اونوقت میبینم که من صاحب پیدا میکنم که دستگیر میکنن و میگن بیا اینجا. چرا که حالا دیگه اومدی جامعه رو خراب کنی! ولی وقتی که با شکم گرسنه سرت رو بذاری و بمیری توی خونه ات اونوقت دیگه کسی ازت نمیبرسه که چرا داری میمیری؟ بلکه میگن که خودت باید بفهمی که باید تو خونه باشی و تو خونه بمونی!

در واقع من صحبتی که بارها روش تاکید کرده ام همین بود که یک نفری پیدا شده و داره آتیش به زندگیت میزنه و بچه هات هم دارن میسوزن و زندگیت هم داره کلا نابود میشه. تو اون لحظه فریاد میزنی و همسایه هات رو خبر میکنی که بیان کمکت کنن. ولی اونوقت میان تو را میگیرن بعنوان اینکه جرم کردی و اومدی بیرون و حق خواهی کردی و بلند بلند داد زدی. اونوقت میگن که مگه نگفته بودیم خفه شو! اما دیگه نمیدانم بگه که آخه کی آتیش انداخت تو زندگیت و کی تو رو به اینروز انداخت که داری اینجور هراسان داد میزنی و حرف میزنی! اما دیگه اینجا اون کسی مجرم نیست که آتیش زده و زندگی

کارگر رو به سیاهی کشونده! کارگر اینجا جلوی چشم همه مرده و ایست قلبی کرده اما نه آمبولانسی اومد و نه کسی فرستادن که نجاتش بده و لذا همینجوری جلوی چشم بقیه توی بیست دقیقه پرپر شد و رفت. برای این بود که هیچ امکاناتی برای کارگر نداشتن و اگر هم بود تجهیزاتی بوده - که حتما سودشون ایجاب نمیکرده برایش بفرستن که بدادش برسن. واقعیتش اینه که هیچکس نمیپرسید که کی آتیش روشن کرد و این زندگی را سوزوند بلکه همه گفتند که مرده. و بعدش هم که معلوم نیست که بدخت زن و بچه اش باید چکار بکنند. و هیچکس قسیم اونها نیست ولی اگر اون زن بزهکار بشه و خطایی انجام بده اونوقت صاحب پیدا میکنه و اونوقت دیگه بعنوان مجرم میبرنش! درست همانطوری که صد و هفتاد نفر دوستان ما رو بردند! خب اگر جامعه واقعا جامعه است خب منم جزو جامعه ام؛ ولی یه کاری کردن که من میام تو خیابون داد میزنم. اون روز هم صحبت همین بود که من به آدمی توی خیابان برو نیستم که برم داد بزنم؛ بلکه من یه شغل کارگری و مثبتی پیدا کرده ام و اومدم اینجا کار کنم تا نونی بخورم. حالا اگر شما از من اینهمه کار بکشید ولی باندازه کارم به من حقوق ندین که بتونم زندگیمو بچرخونم، و اگر این حداقلی را هم که خودتون اعلام کردین بموقع ندین تا بموقع به درد زندگی بچه ام برسم، خب اونوقت ناچارم برم تو خیابون داد بزنم و اوقت شما انتظار داری که نه حقوقم رو بدی و بموقع هم بدی و زمانی هم که داد میزنم که من حق و حقوقم رو میخوام اونوقت بزنی و بکوبی و بگی خفه شو! این قبوله!؟ این منطق انسانیه!؟ خب اگر منطق هست که نشون بده ببینم کجا نوشته و کجا باید قضاوت کرد! میخوام بگم که من این صحبتها را با خودشون کردم. یعنی با کسانی این صحبتها را کردم که مسئول بودن چه در وزارت کار و چه در جاهای دیگر دولت

با تشکر از ناصر احمدی

بخاطر پیاده و تایپ کردن این مصاحبه برای کارگر کمونیست

از میان سایتها و وب لاگها

از وب لاگ کارگران مس سرچشمه

از اسیران مس سرچشمه تا اسیران پارک لاله

صحبت از اسیران گردهم آیی پارک لاله در روز جهانی کارگر (اول ماه مه) امسال است. اکنون بیش از یک هفته است که این اسیران بی گناه در بندند. فعالین کارگری اسیر شده در پارک لاله هیچ جرمی جز مبارزه برای عدالت و رفع تبعیض و بی حقوقی ندارند. فریاد عدالت طلبی ظنین انداخته شده در پارک لاله همان فریاد عدالت طلبی کارکنان مس سرچشمه است. تبعیض و بی حقوقی مورد اعتراض در پارک لاله از جنس همان تبعیض و بی حقوقی است که قلب کارکنان مس سرچشمه را نیز بدر می آورد. درد مشترک کارکنان مس سرچشمه و تمام مردم دردمند ایران در اول ماه مه از حلقوم این اسیران فریاد شد تا نظام سرمایه داری شاهد این باشد که آزادی طلبی و برابری خواهی نمرده است و همواره زنده خواهد ماند. اسیران نظام سرمایه داری در زندان مس سرچشمه

انتخابات و تشکلات کارگری

برگرفته از سایت سندیکای کارگران شرکت واحد سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه یک تشکل کاملاً صنفی و کارگری است و این سندیکا به واسطه آگاهی کارگران و با حمایت و حضور گسترده کارگران در سال 1384 تشکیل و کماکان تا به امروز با وجود فراز و نشیب و دشواری های فراوان به فعالیت خود ادامه می دهد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در مورد انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری از هیچ کاندیدایی حمایت نمی کند و حمایت از هر کاندیدایی را در حیطه فعالیت تشکل های مستقل کارگری نمی داند. در

خود را از اسرای پارک لاله تهران جدا نمی دانند و به بند کشیده شدن نمایندگان خود در گردهم آیی روز جهانی کارگر را بشدت محکوم می کنند و خواهان آزادی هر چه سریعتر این اسیران دربند از چنگال پاسداران سرمایه داری می باشند. کارکنان مبارز شرکت ملی صنایع مس ایران

در گذشت همایون اسلام طلب را تسلیت می گوئیم

متاسفانه باخبر شدیم که همکار گرامیمان همایون اسلام طلب در شب سه شنبه ۲/۸۸/۱۵ بدنبال ناراحتی قلبی و تنفسی ناشی از محیط آلوده کار در سن ۵۱ سالگی درگذشته است.

همایون شخصیتی دوست داشتنی و جذاب بود و چهره ای شناخته شده در بین همکاران ورزشکار به شمار می آمد. خصوصیات او زبانزد کلیه پرسنل مس سرچشمه که او را از نزدیک می شناختند بود. امروز (پنجشنبه) روز به خاک سپاری همایون در ارومیه است. خانواده مس به بازماندگان

نیود آزادی احزاب، بالطبع تشکل ما نیز از نهادهای اجتماعی که حامیش باشد محروم است، حال آنکه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی دخالت گری و فعالیت سیاسی را حق مسلم تک تک افراد جامعه دانسته و برآن است که کارگران سراسر ایران در صورت ارائه منشور کارگری کاندیداهای ریاست جمهوری و دادن تضمین عملی به شعارهای انتخاباتی در این رابطه، می توانند در انتخابات شرکت کنند یا نکنند.

هر کدام از کاندیداهای تایید شده شورای نگهبان در صدها سالن سخنرانی، مسجد حسینیه و دانشگاه که قادرند حامیانشان را در آرامش دور هم جمع کنند و هر تبلیغی را که به حال خود مفید می

داغدار همایون صمیانه تسلیت می گوید و از این واقعه بسیار متأسف است. همایون عزیز از بین ما رفت اما یادگارهای او (خانواده او) در حقیقت خانواده تمام پرسنل مس هستند.

همایون از آذربایجان بود و باوجودیکه سالها بود که در مجتمع مس سرچشمه مشغول بکار بود اما استخدام رسمی نشده بود و به شکل قراردادی در امور لچینگ مشغول بکار بود. انتظار ما از "شرکت ملی صنایع مس ایران" این است که خانواده همایون را همچون خانواده پرسنل رسمی مس در نظر گیرد و حقوق و مزایا و خدماتی که پس از فوت پرسنل رسمی به بازماندگان تعلق می گیرد در مورد پرسنل غیر رسمی متوفی نیز اعمال گردد. پرسنل رسمی و غیررسمی با کمک یکدیگر است که چرخ صنعت مس را به گردش در می آورند و نایبستی تنها بدلیل نوع استخدام پرسنل غیر رسمی از حقوق و مزایا و خدماتی که شرکت برای پرسنل رسمی متوفی در نظر می گیرد برخوردار نباشند.

ما معتقدیم "شرکت ملی صنایع مس ایران" در ازای تمام رنجها و بی

داند، انجام دهند.

اما هر نشست و تجمع کارگری با سرکوب روبه رو می شود، حتی خیابان و پارک هم از مردم دریغ می شود و در طبیعی ترین جایی که کارگران می توانند بدون هزینه در آن جمع شوند، مورد شیخون و هجمه و سرکوب قرار می گیرند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه یک تشکل کاملاً صنفی و کارگری است و این سندیکا به واسطه آگاهی کارگران و با حمایت و حضور گسترده کارگران در سال 1384 تشکیل و کماکان تا به امروز با وجود فراز و نشیب و دشواری های فراوان به فعالیت خود ادامه می دهد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در مورد انتخابات دهمین دوره

حقوقی هایی که در پشت این کوهها و در غربت به پرسنل وارد می نماید و در ازای ذره ذره گاز سمی که به ریه پرسنل تزریق میکند و در ازای تمام بیماریهای ناشی از کار که بدلیل کار در محیط مرتفع و کم فشار و هوای آلوده مس سرچشمه و... نصیب پرسنل می شود و عمر پرسنل را کوتاه می کند به همان میزان و لاقبل مسئول زندگی بازماندگان پرسنل بوده و نایبستی آنها را بفرااموشی سپارد و باید حداکثر امکانات ممکن را برای آنان فراهم آورد.

از نظر ما تمام کارکنان حقوق بگیریری که در شرکتهای جنبی پیمانکار مس (هم گامان - ارفع سازان- مس آذین- راهوار- راهیان و...) و در محیط آلوده مجتمع مس سرچشمه مشغول بکارند علاوه بر آنکه به طریق مضاعف و بوسیله شرکتهای جنبی استثمار می شوند و کمترین حقوق و مزایا را می گیرند در معرض خطرناک ترین آلودگیهای محیطی هستند. این عزیزان در حالیکه بار بزرگی از کارها به عهده آنهاست و نقش مهمی در تولید دارند

آدرس وب لاگ کارگران مس سرچشمه

<http://nicicopersonel.blogfa.com>

اما از مزایای پرسنل رسمی برخوردار نیستند.

براستی چه تفاوتی بین تمامی ما کارکنان رسمی و غیر رسمی و جنبی! است. چرا با وجودیکه شرکت مس به کار این عزیزان غیر رسمی و جنبی نیاز "رسمی" دارد اما آنها را به استخدام رسمی در نمی آورد. آیا غیر از استعمار و بهره کشی مضاعف دلیل دیگری دارد؟ آیا کارگر نظافتچی که خیابانهای پر از گرد و غبار کنسانتره مجتمع را جارو میکند در تولید مس نقش کمتری دارد و کمتر از سایر کارکنان در معرض استثمار است؟ این مجتمع به همان میزان که به کار پرسنل رسمی خط تولید نیاز دارد به کار کارکنان غیررسمی و شرکتهای جنبی نیز نیاز دارد و تولید مس بدون کار این عزیزان میسر نیست. شرکت ملی صنایع مس ایران در قبال جان تمام نیروهایی که به خدمت گرفته است مسئول است و کلیه این نیروها و خانواده شان بایستی تحت پوشش بیمه های مناسب قرار گیرند.

ریاست جمهوری از هیچ کاندیدایی حمایت نمی کند و حمایت از هر کاندیدایی را در حیطه فعالیت تشکل های مستقل کارگری نمی داند. در نبود آزادی احزاب، بالطبع تشکل ما نیز از نهادهای اجتماعی که حامیش باشد محروم است، حال آنکه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی دخالت گری و فعالیت سیاسی را حق مسلم تک تک افراد جامعه دانسته و برآن است که کارگران سراسر ایران در صورت ارائه منشور کارگری کاندیداهای ریاست جمهوری و دادن تضمین عملی به شعارهای انتخاباتی در این رابطه، می توانند در انتخابات شرکت کنند یا نکنند.

ولیکن سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به

امروزه برای کارگران و خانواده هایشان تشویق به شرکت در انتخابات یکی از بی معنا ترین بحث های موجود می باشد چرا که کارگران در سه دهه گذشته، تمام روسای جمهور از دوره جنگ و دوره سازندگی و دوره اصلاحات و هم چنین رئیس

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

دو خبر از اعتراضات کارگری در سطح جهان

داوود رفاهی

اعتصاب سراسری کارکنان مراکز نگهداری کودکان در آلمان

روز جمعه ۱۵ ماه مه، در ۵ ایالت آلمان کارکنان مراکز نگهداری کودکان (مهد کودک) در اعتراض به پائین بودن دستمزدها و خدمات بهداشتی شان دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. در ۲۶ شهر از ایالات North Rhine - Westphalia این مراکز تعطیل بودند. تنها در شهر برمن کارکنان ۶۰ مهد کودک دست از کار کشیدند. در ایالتهای Rhineland - Palatinate، Hesse و Schleswit - Holstein نیز این کارکنان دست از کار کشیدند تا برای بهبود شرایط کارشان اعتراض بکنند. اتحادیه Verdi که فراخوان دهنده این اعتصاب است، گفته

است فعلا فقط به معلمان این مراکز فراخوان اعتصاب داده شده و چنانچه با عکس العمل مثبت از جانب دولت پاسخ نگیرد آماده است تا فراخوان را به هم‌بخشهای دیگر نیز گسترش دهد. در اعتصاب روز جمعه بیش از ۲۰ هزار تن شرکت داشتند. تعداد کل کارکنان مراکز نگهداری کودکان در آلمان بیش از ۲۲۰ هزار نفر است.

هجوم اعتراضی ۱۵۰۰ کارگر به جلسه سالیانه شرکت آرسلر متال در لوگزامبورگ

نشست سالیانه دست اندرکاران یکی از بزرگترین شرکتهای تولید کننده استیل که امسال در ۱۳ ماه مه در کشور لوگزامبورگ برگزار می شد، به موضوع یک تظاهرات وسیع کارگران و تعرض آنها به این نشست تبدیل شد. کارگران خشمگین که تعداد آنها به بیش از ۱۵۰۰ تن می

۱۶ مه ۲۰۰۹

منصور اسالو از سوی یکی از زندانیان مورد تهدید جانی قرار گرفت

منصور اسالو در تماسی که با خانواده اش داشت اطلاع داد که در ساعت ۷ عصر این روز یکی از زندانیان بنام حاتم که گویا سابقه روانی هم دارد با تحریک گروهی از زندانیان به وی حمله ور شده است که با دخالت دیگر زندانیان مشکلی برایش بوجود نیامده است. بدنبال این مساله خانواده وی و نیز سنديکای شرکت واحد نسبت به

منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سنديکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که به جرم شرکت در اعتصاب سال ۸۴ شرکت واحد، به پنج سال حبس تعزیری محکوم و در حال حاضر در زندان رجائی شهر در اسارت بسر میبرد. او در ۲۹ اردیبهشت برای چندمین بار از سوی زندانیان دیگر مورد تهدید جانی قرار گرفت.

اخراج علی نجاتی و احکام صادره برای کارگران هفت تپه

ایشان از تاریخ ۸ فروردین ۸۸ از کار خود اخراج شده است. با وجود این که دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در شهرستان شوش نامه یی صادر کرده است که نشان می دهد علی نجاتی در این مدت در بازداشت دستگاه قضایی - امنیتی بوده است و بنابراین روشن است که در این صورت عدم

علی نجاتی رئیس هیئت مدیره ی سنديکای کارگران نیشکر هفت تپه از ۱۸ اسفند تا ۲۵ فروردین ۸۸ در بازداشت و تحت بازجویی اطلاعات قرار گرفت. وی پس از آن که با قرار کفالت آزاد شد و نامه ی اخراج از طرف شرکت نیشکر هفت تپه دریافت نمود که در آن نامه اعلام شده است

انتخابات و ...

از صفحه ۱۰

جمهوری مهوروز را تجربه کرده اند. ما از تمام همکاران و هم طبقه ای ها یمان می خواهیم که اگر در محیط کار، خانه، درس و محل زندگی شان بحث انتخابات مطرح شد باین موضوع را از یاد نبرند که از خود و دیگران پیرسند که برنامه مدعیان ریاست جمهوری برای کارگران چیست؟

۱- نظر صریح کاندیداهای دوره دهم ریاست جمهوری در رابطه با تشکیل تشکل های مستقل کارگری و صنفی بدون دخالت دولت و کارفرما چیست؟
۲- سرکوب تشکل های مستقل کارگری چون سنديکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را چگونه توجیه می کنند؟
۳- با توجه به مطالبات انباشته شده کارگران و خط فقر اعلام شده برای امسال که مبلغ ۸۵۰ هزار تومان اعلام شده اما از آن طرف دستمزد ماهانه کارگران را دوپست و شصت و سه هزار تومان تعیین نموده اند، آیا به خواست تشکل های کارگری که دستمزد حداقل یک میلیون تومان را با امضاء کارگران کارخانجات سراسر کشور اعلام نمودند گردن خواهید نهاد؟

۴- نظر خود را نسبت به کنوانسیون های بین المللی کارگری، حقوق کودک، زنان و حقوق بشر اعلام نموده و بفرمائید چگونه به آنها پایبند خواهید بود؟
۵- نظر و برنامه خود را نسبت به

<http://www.syndicavahed.info/>

نیکوفرد و قربان علیپور یک سال زندان (۶ ماه تعزیری و ۶ ماه تعلیقی) و ۵ سال ممانعت از شرکت در هر گونه انتخابات کارگری و برای آقای محمد حیدری مهر ۱ سال زندان (۸ ماه تعلیقی و ۴ ماه تعزیری) و ۳ سال ممانعت از شرکت در هر گونه انتخابات نمایندگی کارگری صادر شده است. هم چنین در حکم صادره علت این احکام « ایجاد سنديکای

خارج از قانون » و پاره یی از اتهامات واهی اعلام شده است. همچنین صبح روز، دوشنبه ۲۸ اردیبهشت حضاریه ای از سوی دادسرای شهرستان شوش برای رضا رخشان رضا رخشان از اعضای سنديکای شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و مسول واحد روابط عمومی این سنديکا است.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران درباره درگذشت مجید سیاسی

با تأسف و تالم بسیار درگذشت نابهنگام و ناگهانی رفیق مجید سیاسی کادر حزب کمونیست کارگری را به اطلاع می‌رسانیم. مجید سیاسی در روز یکشنبه ۱۷ مه ۲۰۰۹ (۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸) هنگام بازی فوتبال در لژی پارک تورنتو در کانادا دچار سکته قلبی شد و در راه انتقال به بیمارستان جان سپرد.

مجید سیاسی در سال ۱۳۵۳ برای تحصیل در رشته اقتصاد وارد دانشگاه تبریز و سپس، با انحلال این رشته در آن دانشگاه، به دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران منتقل شد. بلافاصله پس از ورود به این دانشگاه مبارزات سیاسی خود را شروع کرد. در اواخر سال ۱۳۵۶ همگام با جنبش توده‌ای مردم، وارد مبارزات

و بعدا در جریان انقلاب به سازمان پیکار در راه رهایی طبقه کارگر پیوست و پس از تشکیل حزب کمونیست ایران فعالیت خود را با این حزب و سرانجام حزب کمونیست کارگری ایران ادامه داد. در سال ۱۳۷۸ (۱۹۹۹) به ترکیه پناهنده شد. سال‌های اقامت مجید در ترکیه و فعالیتش در فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی دوره درخشان دیگری از زندگی سیاسی او را تشکیل میدهد. مجید سیاسی طی این سال‌ها با غمخواری بیمانندی که از صفات برجسته او بود به تکیه گاه محکمی برای پناهجویان مقیم ترکیه، از زن و مرد و کوچک و بزرگ، تبدیل شد؛ چنان که مقامات دولت ترکیه نامش را نشان کردند و انتقال

او به کشور ثالث را سالها به تعویق انداختند. فعالیت مجید سیاسی در صفوف حزب کمونیست کارگری ایران در کانادا طی سال‌های اقامتش در این کشور را هیچ چیز بهتر از صفات شخصی خود او توصیف نمی‌کند؛ شور انقلابی، صفا، صمیمیت، هوشمندی، ابتکار، از خود گذشتگی، و تلاش و فعالیت بی دریغ در راه آرمانهای انسانی اش. از دست دادن کادر کمونیستی همچون مجید سیاسی ضایعه‌ای نه تنها برای حزب کمونیست کارگری بلکه برای کل جنبش آزادی و برابری طلبی در ایران است. این ضایعه را صمیمانه به خانواده عزیزش و به همه آزادیخواهان و تک تک اعضا و دوستان حزب کمونیست کارگری

یاد عزیز مجید سیاسی را گرامی میداریم!



رفیق مجید سیاسی اینیژن شجاعی، کمونیست خستگی ناپذیر و کادر حزب کمونیست کارگری ایران در روز ۱۷ مه ۲۰۰۹ بر اثر سکته قلبی جان باخت.

مراسم گرامینداشت یاد مجید عزیز و زنگی کوتاه اما پیرایش را روز یکشنبه ۳۱ مه برگزار میکنیم.

یکشنبه ۳۱ مه ۲۰۰۹، ساعت ۹ تا ۶ بعدازظهر

Novotel Hotel, 3 Park Home Avenue
Rom: Gibson Ballroom - North York

ایستگاه ساب و و: North York Center - تقاطع Yonge و Park Home
جنب ساختمان شهرداری نورث یورک (میدان مل نسمن)

تلفنهای تماس:

(بایک بزده): ۷۱۱ ۴۷۱ ۴۱۶ (بدهی محمودی: ۹۳۲۱ ۶۲۶ ۴۱۶)

تشکلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران، واحد تبرق کانادا

تسلیم می‌شویم. یادش زنده و حزب کمونیست کارگری ایران
راهش پررهور باد! ۱۹ مه ۲۰۰۹، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۸

وریا نقشبندی و ایرج محمدی نوره در بازداشت بسر می‌برند

طبق خبر اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز ۱۸ اردیبهشت مأموران اطلاعات به منزل وریا نقشبندی فعال کارگری در شهر مریوان می‌ریزند و وی را به شدت مورد ضرب و شتم قرار داده و سپس به اداره اطلاعات مریوان منتقل می‌کنند. بنا به گفته شاهدان وریا زمان دستگیری در منزلش به حلی توسط مأموران ضرب و شتم می‌شود که او را با برانکار با خود به اطلاعات می‌برند. چند روز بعد از دستگیری وریا خانواده اش موفق می‌شوند نامه ملاقات با فرزندشان را از قاضی پرونده بگیرند ولی اداره اطلاعات اجازه ملاقات را به آنها نمی‌دهد. بر اساس گزارشی دیگر از شهر سنندج روز ۲۰ اردیبهشت نیز ایرج محمدی نوره کارگر برق ساختمانی توسط اطلاعات سنندج بازداشت شده و هنوز از وی خبری در دست نیست. ایرج محمدی نوره کارگری است که سابقه اعتراض به وضعیت اسفناک کارگران داشته است.

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

سایت کارگران

www.kagaran.org

سایت روزنه

www.rowzane.com



سلمان یگانه درگذشت یاد او گرامی باد!

کرد و بعد از انتقال به بیمارستان آریارشت جان سپرد. سلمان از اعضای کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری بود. کارگر کمونیست جان باختن سلمان یگانه را به خانواده،

سلمان یگانه یکی از فعالین شناخته شده جنبش کارگری و از چهره‌های محبوب در میان مردم در ۱۸ اردیبهشت در حین انجام کار در کارخانه فولاد لوشان به نحو دلخراشی در دستگاه بتونر سقوط

شود و در عین حال، امکان دارد که برخی از آنان تا یک ماه دیگر در زندان بمانند. آیت نیافر در پرسشی در خصوص اتهاماتی که به بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر وارد آمده است، می‌گوید: "اقدام علیه امنیت ملی، برگزایی تجمع غیرقانونی، اخلال در نظم عمومی و تشویش اذهان از اتهاماتی بوده‌اند که به بازداشت‌شدگان وارد آمده است اما بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر این اتهامات را رد کرده و گفته‌اند که در شرایطی که بازداشت‌ها پیش از برگزاری تجمع روز جهانی کارگر انجام گرفته است، این اتهامات پایه و اساسی ندارند."

جوهری، امیر یعقوب علی و کاوه مظفری اشاره کرد. از آن زمان تاکنون زیر فشار کمپینی گسترده و جهانی، بازداشت‌شدگان به تدریج آزاد شده‌اند. آیت نیافر، عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری، در گفتگویی با رادیو فردا در مورد شمار افرادی که هنوز زندانی هستند، گفت که حدود ۶۰ نفر همچنان در زندان به سر می‌برند و به نقل از برخی از آزادشدگان در مورد وضعیت این افراد افزود: «در هر سلول انفرادی، پنج تن از مردان بازداشت شده را جای داده‌اند. بازجویی تمام شده است ولی امکان دارد که برخی از بازداشت‌شدگان دوباره از سر گرفته

آخرین اخبار از دستگیر شدگان اول ماه مه روز جهانی کارگر

سه هفته از بازداشت بیش از ۲۰۰ نفر در تهران، در روز جهانی کارگر، می‌گذرد. در این روز با حمله وحشیانه رژیم به مراسم اول مه، حدود ۱۵۰ نفر را در پارک لاله و حدود ۶۰ نفر را در منطقه نعمت آباد تهران بازداشت شدند.

شمار بسیاری از بازداشت‌شدگان از اعضای تشکل های کارگری و فعالان حقوق زنان بودند. از جمله کسانی که هنوز در بازداشت هستند، می‌توان به جعفر عظیم زاده، منصور حیات غیبی، علیرضا ثقفی، جلوه

زنده باد سوسیالیسم

وسیعاً به کمپین برای آزادی فوری و بدون قید و شرط دستگیر شدگان اول مه پیوندیم

روز ۲۸ اردیبهشت خانواده های دستگیر شدگان اول مه با هم در مقابل دادسرای انقلاب جمهوری اسلامی تجمع کردند و پیگیر وضع عزیزان خود شدند. در این روز ۲ نفر دیگر از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر در پارک لاله تهران به اسامی طه ولی زاده، بهرام عابدینی، ابوذر خادمی و علی پیری و امروز چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت دو نفر به اسامی همایون جابری و حمید ملک زاده با قرار کفالت از زندان آزاد شدند. از دستگیر شدگان اول مه در پارک لاله هم اکنون یک نفر از زنان به اسم جلوه جواهری و حدود ۳۵ نفر از دستگیر شدگان مرد در زندانند. همچنین حدود ۱۵ نفر از کارگران سنديکای فلزکار و مکانیک که در روز جهانی کارگر در پاسگاه نعمت آباد دستگیر شده بودند، در زندانند. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی آزادی طه ولی زاده، بهرام عابدینی، ابوذر خادمی و علی پیری، همایون جابری و حمید ملک زاده را به این عزیزان و به خانواده ها یشان و به همه انسانهای آزادیخواه تبریک میگوید.

کمپین برای آزادی دستگیر شدگان اول مه با قدرت به جلو میرود. در داخل ایران بیش از ۵۰ مرکز و نهاد و تشکل کارگری و از بخشهای دیگر جامعه به این کمپین پیوسته اند. در سطح جهانی نیز ۴ کنفدراسیون بزرگ جهانی، عفو بین الملل، س ژت و اتحادیه پست در کانادا با نامه های حمایتی خود، جمهوری اسلامی را بخاطر حمله به مراسم اول مه و دستگیری ها محکوم کردند. همچنین از سوی چهار کنفدراسیون بزرگ بین المللی، فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، فدراسیون آموزش بین الملل، فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل و اتحادیه بین المللی صنایع مواد غذایی، کشاورزی و خدمات که بیش از ۱۷۰ میلیون کارگر را در سراسر جهان نمایندگی می کنند، روز ۲۶ ژوئن (۵ تیر)، روز جهانی مبارزه برای احقاق حقوق پایه ای کارگران ایران اعلام شده است. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی همه مراکز کارگری و بخش محمود حسینی ۶- محمد لطفی ۷-

های مختلف جامعه را به حمایت وسیع از کمپین برای آزادی دستگیر شدگان اول مه فرامیخواند.

برای پیوستن به این کمپین با آدرس زیر که در سایتهای فراخوان دهندگان این کمپین اعلام شده میتوان تماس گرفت:

campaign1may@gmail.com

همچنین در سایت سنديکای کارگران شرکت واحد در همین رابطه پتیشنی گذاشته شده است، این پتیشن اعتراضی را امضا کنید و دوستان خود را از این حرکت اعتراضی گسترده مطلع کنیم تا به آن پیوندند. برای امضای این پتیشن میتوانید لینک زیر را باز کنید:

<http://syndicavahed.info/petition/show.php?id=3>

بالاخره اینکه در کنار خانواده های دستگیر شدگان اول مه، به تجمعات اعتراضی هر روزه خود ادامه دهیم و خود را برای تبدیل روز ۵ تیر (۲۶ ژوئن) به روز اعتراض وسیع خود علیه بیحقوقی کارگران و مردم ایران و مبارزه برای آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی آماده کنیم.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی برای آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی دستگیر شدگان اول مه، منصور اساتلو، ابراهیم مددی، فرزاد کمانگر و تمامی زندانیان سیاسی از زندان تلاش میکند.

دستگیر شدگان اول مه باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

مرکز جمهوری اسلامی

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

زنده باد اول مه مه روز جهانی کارگر

۳۱ اردیبهشت ۸۸ - ۲۱ مه ۲۰۰۹

shahla_daneshfar@yahoo.com -00447779898968

ضمیمه:

اسامی دستگیر شدگان اول مه:

۱- جعفر عظیم زاده ۲- شاپور احسانی راد ۳- سعید یوزی ۴- یونس ارزنگ ۵- محمد اشرفی ۶- محمود حسینی ۶- محمد لطفی ۷-

۱۲- کمیته دفاع از کارگران هفت تپه

۱۳- کارگران کارخانه پیرس سنندج

۱۴- کارخانه بافندگی شین بافت سنندج

۱۵- کارگران کارخانجات شاهو

۱۶- نساجی کردستان

۱۷- غرب بافت

۱۸- آجر شیل

۱۹- شیرپاک آرا

۲۰- گونی بافی سما

۲۱- آرد فجر

۲۲- نیرو رخش

۲۳- کارگران بخش خدماتی بیمارستان توحید سنندج

۲۴- جمعی از بازنشستگان شهرستان سنندج

۲۵- کارگران شرکت فرش غرب کرمانشاه

۲۶- کارخانه لاستیک دنا

۲۷- جمعی از کارگران سیمان قانی

۲۸- جمعی از کارگران عسلویه

۲۹- جمعی از کارگران ایران خودرو

۳۰- کارگران نساجی خامنه

۳۱- جمعی از کارگران کیان تایر (لاستیک البرز)

۳۲- جمعی از کارگران کارخانه لوله سازی اهواز

۳۳- کارگران کارخانجات چرخ خیاطی ایران (کاجیران)

۳۴- جمعی از کارگران پایگاه تبریز

۳۵- جمعی از کارگران پتروشیمی تبریز

۳۶- جمعی از کارگران ماشین سازی تبریز

۳۷- جمعی از کارگران تراکتور سازی تبریز

۳۸- جمعی از کارگران شهرک صنعتی شهید سلیمی تبریز

۳۹- جمعی از کارگران کارخانه سیمان صوفیان

۴۰- جمعی از کارگران شهرستان فیروز کوه

۴۱- جمعی از کارگران کارخانه چینی سمنان

۴۲- جمعی از کارگران شهرستان مریوان

۴۳- جمعی از کارگران کارخانه صنایع فلزی شماره ۲

۴۴- جمعی از کارگران و فعالین شهر کامیاران

۴۵- جمعی از کارگران و فعالین شهر مشهد

۴۶- جمعی از کارگران کارخانه ذوب آهن اردبیل

۴۷- کارگران شرکت کارگلاس تهران

۴۸- کارگران براق آلات قم

۴۹- جمعی از خبرنگاران بخش اجتماعی نشریه محلی کرج

۵۰- کانون فرهنگی و پژوهشی بامداد

۵۱- انجمن حمایت از حقوق شهروندی

۵۲- دانشجویان سوسیالیست دانشگاه های ایران

اتحادیه های کارگری و نهادهای بین المللی ای که تا کنون حمله وحشیانه جمهوری اسلامی را به مراسم اول مه محکوم کرده و خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان روز جهانی کارگر شده اند:

۱- کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (ITUC) متشکل از ۱۷۰ میلیون کارگر در سطح جهان.

۲- کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه (س ژت) - بخش ADDSEA

۳- سازمان آموزش جهانی (ای.آی)

۴- فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (آی.تی.اف)

۵- اتحادیه بین المللی صنایع مواد غذایی، کشاورزی و خدمات (آی.یو.اف)

۶- انترناسیونال کارگران ساختمانی و چوب (BWI)

۷- ویولا ویلکینز از سوی کارگران صنعتی جهان - ملبورن، استرالیا

۸- تیم داناوان دبیر اتحادیه خدمات عمومی و تجاری PCS

۹- کمیته همبستگی بین المللی اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا-انتاریو

۱۰- سیلویا هیل - عضو قوه مقننه شورای قانون گذار دولت ایالت نیو ساوت ولز

۱۱- اتحادیه پست کانادا و اتحادیه ترانسپورت آمریکا

۱۲- شورای اتحادیه های کارگری استرالیا



اعتصاب کارگران ایران خودرو با موفقیت به پایان رسید

شامل رسید و خطوط تولید متوقف گردید. هنوز ساعت به شب نرسیده بود که تمام حق رکورد به حساب کارگران واریز گردید. در بخش دیگری از این خبر که در سایت "خودروکار"، سایت کارگران ایرانخودرو" درج گردیده، آمده است که "تمام کارگران پیمانکاری خطوط تولید در ایران خودرو از زیر شرکت‌های پیمانکاری در آمده و قراردادی خود شرکت ایرانخودرو می شوند."

حزب کمونیست کارگری این پیروزی را به کارگران ایرانخودرو صمیمانه تبریک می گوید و به آنها در قاطعیت و پیگیری خواست های خود و به پیروزی رساندن مبارزه خود درود می فرستد. کارگران ایرانخودرو نشان

بنا به خبری که امروز ۲۸ اردیبهشت توسط کارگران ایران خودرو منتشر شده است، اعتصاب کارگران ایران خودرو برای رسیدن به دستمزدهای معوقه و تبدیل وضعیت کارگران پیمانکاری به قراردادی با موفقیت به پایان رسید. در این خبر آمده است که هفته گذشته کارگران ایران خودرو موفق شدند با اعتصاب خود که از سالن مونتاژ آغاز شد و در سالن شاتل ادامه و با اعتصاب کارگران سالنهای پرس خاتمه یافت به مطالبات پرداخت حقوق آکورد و رکورد تولید سال گذشته و همچنین تبدیل وضعیت کارگران پیمانکاری به قراردادی خود شرکت ایران خودرو برسد.

دادند که می توانند با اتکا به اتحاد و پیگیری خود مدیریت یکی از بزرگترین شرکت های تولیدی در خاورمیانه را، که دارای حمایت یکی از وحشی ترین رژیمهای منطقه است، به زانو در آورند.

حزب کارگران ایران خودرو را به تشکیل مجمع عمومی و تصمیمات جمعی و متحدانه برای پیگیری سایر خواستهای خود از جمله بیرون انداختن نیروی سرکوب حراست از کارخانه فرامیخواند. حزب همچنین کارگران بخش های مختلف ایران خودرو را به پیوستن به کمپین برای آزادی دستگیرشدگان اول مه و دفاع از قطعنامه اول مه فرامیخواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۸، ۱۸ مه ۲۰۰۹

تظاهرات در ژنو

در همبستگی با مبارزات کارگران در ایران در تظاهرات چهارشنبه ۳ ژوئن در مقابل محل کنفرانس سازمان جهانی کار (آی ال او) شرکت کنید!

اجلاس سالانه سازمان جهانی کار (آی ال او) از ۳ تا ۱۹ ماه ژوئن در ژنو برگزار میگردد. قرار است هیئت نمایندگی رژیم اسلامی ایران و نمایندگان سازمانهای دست ساز آن، همچون سالهای گذشته، در این اجلاس حضور بهم رسانند. نباید اجازه داد سرکوبگران کارگران در آی ال او حضور یابند. رژیم اسلامی ایران، بخاطر سرکوب کارگران و تحمیل بیحقوقی مطلق به آنها، باید از آی ال او اخراج گردد.

در حمایت از مبارزات کارگران و برای آزادی دستگیرشدگان اول مه و همه کارگران زندانی در این تظاهرات شرکت کنید! همه مردم آزادیخواه و همچنین سازمان های کارگری را به شرکت در این تظاهرات فرا میخوانیم.

زمان: چهارشنبه ۳ ژوئن از ساعت ۱۲

محل: ژنو مقابل محل کنفرانس سازمان جهانی کار (آی ال او)

دستگیرشدگان اول مه باید فوراً و بیقید و شرط آزاد شوند!

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

جمهوری اسلامی ایران باید از آی ال او اخراج گردد!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

مه ۲۰۰۹، اردیبهشت ۱۳۸۸

تلفن های تماس:

بهرام سروش: ۰۰۴۷۸۵۲۳۳۸۳۳۴

آرش مهدی زاده: ۰۰۴۱۷۶۴۰۰۶۹۶۲

شهناز مرتبه: ۰۰۴۹۱۷۱۹۷۱۶۲۲۷

زنده باد کانال جدید!

اعلام کمپین جمع آوری ۳۰۰ هزار دلار کمک مالی

جهت تامین ادامه کاری کانال جدید

های کانال جدید جمع آوری کنیم. ما اطمینان داریم که شما با کمک های خود بار دیگر تداوم کانال جدید این ابزار مهم سازماندهی اعتراض و مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی، این وسیله متحد کردن توده های میلیونی برای تحقق شریف ترین آرمانهای بشری را ممکن میگردانید.

زنده باد کانال جدید!

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ آوریل ۲۰۰۹

جدید، همه دستداران و اعضا و کادرهای حزب را فرامیخواند تا بار دیگر با کمک های بیدریغ خود، با سازماندهی جمع آوری کمک مالی در بین همکاران و آشنایان، تداوم کانال جدید را فراهم کنید.

بدینوسیله به اطلاعاتتان میرسانیم که از روز دوشنبه ۴ ماه مه ۲۰۰۹، برابر با ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۸، کمپین وسیع و علنی جمع آوری کمک مالی را شروع خواهیم کرد که به مدت ۶ هفته ادامه خواهد داشت. ما امیدواریم در طی این مدت مبلغ ۳۰۰ هزار دلار از داخل و خارج کشور جهت تامین هزینه

کارگران، زنان، جوانان، مردم شریف!

کانال جدید، کانال انقلاب، این تریبون بیان حرفهای دل شما و اعلام کیفرخواست و اعتراض شما علیه جمهوری اسلامی و علیه همه نابرابری ها، برای ادامه کار خود به کمک فوری شما نیاز دارد. کانال جدید همه ما را به هم نزدیک کرده است و باید با قدرت و اعتماد به نفس پیش رود و فعالیت آن گسترش یابد. حزب کمونیست کارگری همه شما عزیزان، همه آزادیخواهان و برابری طلبان، همه بینندگان کانال

آدرس تماس و مشخصات فنی کانال جدید به این شرح است:

kanaljadid@yahoo.com

tv.anternasional@yahoo.com

<http://www.newchannel.tv>

آدرس تماس:

سایت کانال جدید:

۸

۱۲۳۰۳ مگاهرتز

۲۷۵۰۰

۳/۴

(Vertical)

ماهواره هات برد

فرکانس

سیمبل ریت

اف ای سی

پلاریزاسیون عمودی

زنده باد سوسیالیسم